هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

بحران کشور و طرح جبههٔ ملی
ص۲

وقتی یک نظام به بن بست می رسد
ص۲

آیا خشونت ها مهار خواهد شد؟
نگاهی به حوادث امنیتی اخیر
ص۳

دور ششم | سال ششم | شمارهٔ هشتم | شنبه ۲ سرطان ۱۳۸۶ | ۸ جمادی الآخر ۱۴۲۸ - | 23 June , 2007

رئیس جمهور در جمع بزرگان قومی

از قانون گریزی و وضعیت ناگوار اقتصادی شکایت کرد



رئیس جمهور توجه به تعلیم و تربیت و قانون پذیری را دو شرط اساسی برای رهایی از فقر و حالت کنونی و گام نهادن در جهت توسعه خواند.

آقای کرزی این سخنان را روز سه شنبه در جمع ۱۲۰۰ نفری در تالار لیسهٔ امانی اظهار کرد.

این همایش زیر نام مجمع معززان افغانستان از سوی مؤسسه "ودان افغانستان" (افغانستان آباد) برگزار شده بود.

رئیس جمهور گفت: من همیشه خواهان نشست و گفتگو با متنفذان و بزرگان قومی بوده ام و امروز مسرور هستم که در این جلسهٔ بزرگ ملی اشتراک می کنم.

آقای کرزی در سخنانش عوامل پسمانی کشور را دو بخش کرد یکی خارجی و دیگری داخلی - مداخلات خارجی را در طی دو نیم دهه عامل عقماندگی افغانستان معرفی کرد اما گفت که این مداخلات خارجی نیز زمینهٔ داخلی دارد و آن ضعف و ناتوانی درونی ما بوده است و عامل اساسی این ضعف و ناتوانی را در نداشتن نظام درست تعلیم و تربیت و کادرهای مختصص و کاردان و عدم حاکمیت قانون در جامعه معرفی کرد.

رئیس جمهور گفت برخی از کشورها مانند امارات متحدهٔ عربی و سنگاپور با استفاده از تجارت و برخی دیگر مانند هند و ژاپن با استفاده از آموزش و پرورش به توسعه رسیده اند اما همهٔ این کارها را بسته به تطبیق قانون در جامعه کرد.

سپس آقای کرزی به قانونمند شدن پایه های توسعه در افغانستان اشارت و نظام مردم سالاری را اساس آن خواند که امروز در افغانستان جا افتاده است که رئیس جمهور منتخب و پارلمان منتخب و قضای مستقل و مطبوعات آزاد را نمادهای آن معرفی کرد. ادامه درص۸

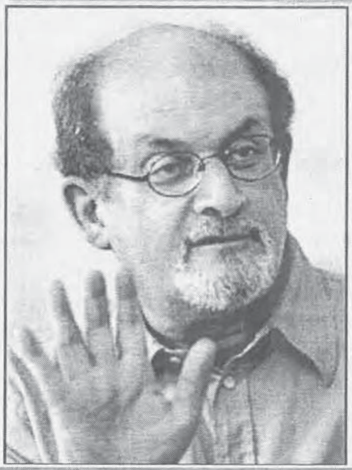
جرگهٔ امن در ماه اسد در کابل برگزار می گردد

آصف ننگ سخنگوی ادارهٔ امور ریاست جمهوری و وزارت دولت در امور پارلمانی روز چهارشنبه ۳۰ جوزا در کابل در یک نشست خبری اعلام کرد که جرگهٔ امن منطقه یی افغانستان و پاکستان در ماه اسد سال جاری در کابل برگزار خواهد شد.

به گفتهٔ ننگ در این جرگه ۷۰۰ نفر شرکت خواهند کرد که از هر کشور افغانستان و پاکستان به تعداد ۳۵۰ نفر خواهد بود.

ظاهراً معلوم می شود که برخی از دشواری هایی که در زمینهٔ برگزاری این جرگه میان دو کشور وجود داشت حل شده است. در جلسه یی که در اواسط ماه سرطان در اسلام آباد به اشتراک کمیسیون های برگزاری این جرگه برگزار شده بود، دو مسألهٔ مورد نزاع میان افغانستان و پاکستان مانده بود. این هر دو مسأله را طرف افغانستان مطرح کرده و پاکستان پذیرفته بود، یکی اشتراک نمایندگانی از جامعهٔ جهانی و دوم شرکت شماری از زنان در این جرگه از هر دو کشور.

سلمان رشدی باید مجازات شود نه تقدیر



واقف حکیمی سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان اعطای لقب شوالیه به سلمان رشدی را از سوی ملکهٔ بریتانیا تقبیح کرد و آن را موجب بروز خشم مسلمانان خواند و گفت: سلمان رشدی با نوشتن کتاب آیات شیطانی به پیامبر عظیم الشأن اسلام اهانت کرده است و موجب افزایش تنش میان غربیان و مسلمانان گردیده است و به روابط میان آنان صدمه وارد کرده است از این لحاظ باید او مورد مجازات قرار بگیرد و نه اعطای جایزه و اعزاز.

در هفتهٔ گذشته ملکهٔ بریتانیا برای سلمان رشدی لقب شوالیه داد. سلمان رشدی شهروند هندی تبار بریتانیاست. او هجده سال پیش کتاب آیات شیطانی را نوشت و در آن به مقدسات اسلامی قرآن کریم و پیامبر صلی الله علیه وسلم اهانت کرد.

او با این کار خشم مسلمانان را در سراسر گیتی برانگیخت و موجب تظاهراتی خشونت آمیز در بسیاری از کشورهای اسلامی و غربی شد. امام خمینی فتوای کشتن او را صادر کرد و در بسیاری از کشورها چاپ و نشر کتابش ممنوع اعلام گردید. ملکهٔ بریتانیا با اعطای لقب شوالیه به سلمان رشدی این غائله را باری دیگر زنده کرد و موجب تشدید خشونت ها شد.

برخی از کشورهای اسلامی مانند مصر و ایران و پاکستان و عراق و افغانستان و سازمان ها و احزاب سیاسی این کار ملکهٔ بریتانیا را محکوم کردند.

مولانا طاهر اشرفی رهبر جمعیت العلمای پاکستان در برابر این کار ملکه بریتانیا لقب سیف الله (شمشیر خدا) را برای اسامه بن لادن داد.

بریتانیا چند دهه در افغانستان می ماند

سفیر جدید بریتانیا در افغانستان می گوید به منظور کمک به افغانستان برای مبارزه با فقر و تروریسم، به چند دهه حضور بریتانیا در این کشور نیاز است.

شرارد کوپرکولز، در یک گفتگو با بی بی سی گفته است "برای ایجاد یک دولت پایدار در افغانستان به وقت زیادی نیاز است."

آقای کوپرکولز با ارایه این مسئله افزود که مردم افغانستان خواستار حضور بریتانیا در کشورشان هستند و می خواهند نیروهای بریتانیایی آنان را از چنگ طالبان نجات دهند.

این اظهارات در حالی صورت می گیرد که قرار است در جریان سال جاری، بریتانیا شمار بیشتری کارمند و دیپلمات به افغانستان بفرستد.

بی بی سی در ماه جنوری (ژانویه) دریافت که دولت بریتانیا در نظر دارد بیش از ۳۵ کارمند اضافی دیپلماتیک را به افغانستان اعزام کند.

منابع دولتی بریتانیا گفته اند که این اقدام به منظور جلوگیری از افزایش خشونت ها در افغانستان ادامه درص۸

نگرانی سازمان های امداد رسان در افغانستان از کشتار غیر نظامیان

نود و چهار سازمان امداد رسان در افغانستان با صدور بیانیه یی مشترک، نسبت به افزایش روز افزون شمار تلفات جانی در درگیری های این کشور ابراز نگرانی کردند.

به گزارش بی بی سی این سازمان های غیردولتی که در میان آنان هم نامهای نهادهای خارجی و هم داخلی به چشم می خورد و در گروهی با عنوان اختصاصی اکبر (AKBAR) گردآمده اند، در بیانیه خود اشاره کرده اند که طی سال جاری میلادی، یعنی ظرف پنج ماه، دست کم ۲۳۰ غیرنظامی، از جملهٔ شصت زن و کودک قربانی عملیات نظامی نیروهای خارجی و افغان شده اند.

از جمله امضاکنندگان این بیانیه نهادهای مشهور بین المللی همچون اکسفام (Oxfam)، کودکان را نجات دهید (Save the Children) و توجه بین المللی (International Care) اند.

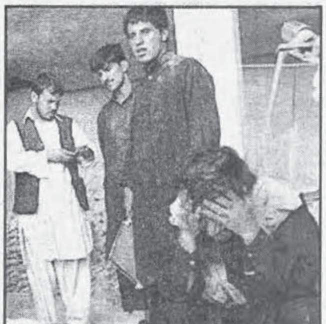
در این بیانیه، نیروهایی که تحت فرماندهی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و همچنین ائتلاف تحت فرماندهی آمریکا در افغانستان فعالیت می کنند متهم شده اند که به صورت نامناسب، بیش از حد و تبعیض آمیز به زور متوسل می شوند.

در بیانیه سازمان های امدادرسان آمده که بسیاری از تلفات غیرنظامیان که بر اثر عملیات نظامی رخ می دهد به این دلیل است که این نیروها بر اساس اطلاعات نادرست وارد عمل می شوند یا این که بدون متوجه حساسیتهای مردم باشند و به فرهنگ آنان توجهی داشته باشند به خانه های آنان حمله می کنند.

در این بیانیه آمده است که طی سال جاری میلادی، چهارده غیرنظامی تنها به این دلیل کشته شده اند که نزدیک به نظامیان خارجی حرکت می کرده اند.

به نظر صادرکنندگان بیانیه، از خوش بینی و حسن نیتی که مردم افغانستان در آغاز ورود نیروهای خارجی به این کشور در پنج سال پیش داشتند به میزان قابل توجهی کاسته شده است. صادرکنندگان بیانیه از همه نیروهای نظامی فعال در افغانستان خواسته اند که بکوشند تفاوت میان مردم غیرنظامی و شورشیان مسلح را تشخیص دهند و پیش از دست زدن به عملیات مردم غیرنظامی را آگاه کنند تا تلفات غیرنظامیان که در نتیجه این عملیات رخ می دهد به حداقل برسد.

این بیانیه دو روز پس از آن منتشر می شود که



ائتلاف تحت فرماندهی آمریکا اعتراف کرد که اشتباهاً مدرسه یی مذهبی را در ولسوالی (شهرستان) زرغون شاه در ولایت ادامه درص۸

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
صندوق پستی : ۲۲٦

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

بحران کشور و طرح جبههٔ ملی

روز پنجشنبه ۲۵ جوزای ۱۳۸٦ جبههٔ ملی افغانستان طرحی جامع را جهت بیرون رفت از وضعیت بحرانی کشور ارائه داد. این طرح توسط سید مصطفی کاظمی سخنگوی جبههٔ ملی در یک کنفرانس خبری در کابل مطرح شد.

در این طرح به سه دیدگاه متفاوت دربارهٔ وضعیت کنونی افغانستان اشارت شده است:

- نظام کنونی افغانستان "توان حل معضلات کلان ملی را ندارد" با ایجاد انقلابی تازه بنیانی سیاسی جدید پی ریزی شود.

- وضعیت کنونی از سرنوشت محتوم افغانستان است، باید در برابر آن تحمل کرد و تسلیم شد.

- تأکید بر روند اصلاحات و رفرم.

دیدگاه سوم پایهٔ کار جبههٔ ملی را در ارائهٔ این طرح تشکیل می دهد و جبههٔ ملی معتقد است که امنیت و ثبات زیر بنای توسعه در سایر بخش ها را می سازد.

مردم در شش سال پیش در پی سقوط رژیم طالبان و به میان آمدن تحول جدید چشم به افق هایی تازه دوخته و بی صبرانه در انتظار تحولاتی بزرگ بودند. نهادینه کردن دموکراسی و زدودن آثار و نمادهای استبداد در جامعه و نظام، و بازساخت نهادهای دولتی و ویرانه های دوران جنگ، و گسترش فرهنگ برادری و وحدت ملی، و مبارزه با مواد مخدر، و ایجاد یک ادارهٔ کار آمد و بهبود بخشیدن به وضعیت زندگی مردم، از چشم اندازهای تحول جدید خوانده می شد. اما اکنون پس از شش سال بسیاری از این چالش ها همچنان در برابر جامعهٔ افغانستان و یاران بین المللی آن قرار دارد، با ان که کارهایی انجام یافته است.

امروز با وجود توجهٔ بی سابقهٔ جامعهٔ جهانی به مسائل افغانستان کمتر کسی وجود دارد که به چالش های جدی افغانستان در سطح دولت و جامعه اعتراف نکند.

گسترش بی امنیتی و توسعهٔ فعالیت های مخالفان مسلح نظام، و روز افزون شدن بیکاری و ناکار آمدی حکومت در بسیاری از عرصه های زندگی از مباحث مسلم روز شده است.

این ها مسائلی است که چند روز پیش نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کل سازمان ملل آقای تام کونیکس زیر عنوان عدم حاکمیت قانون در افغانستان بدان اشارت کرد و رئیس جمهور در اجتماع روز سه شنبهٔ بزرگان اقوام به گونه یی آن را تأیید نمود و عدم تطبیق قانون را بزرگترین معضل افغانستان و مانع بر سر راه توسعهٔ کشور خواند.

طرح جبههٔ ملی پاسخی است به این نیازهای مبرم جامعه و دولت افغانستان که محور اساسی آن را "ایجاد شورای عالی دولت جمهوری اسلامی افغانستان" می سازد و با میکانیزم هایی به نام "شورای امنیت ملی" و "شورای اقتصاد ملی" و "کمیسیون مشارکت و مصالحه" و "کمیسیون همکاری های سیاسی" به همه پهلوهای بحران موجود می پردازد. حضور همه اهرم های نظام و نیروهای سیاسی اثر گذار در روند سیاست کشور در طرح جبههٔ ملی عملی بودن واقعگرایانه بودن این طرح را تأکید می کند.

رئیس جمهور در برابر این طرح بر سر دو راهی قرار دارد یا باید با پذیرش آن به روند مردهٔ اصلاحات جانی تازه بخشد و یا حل بحران افغانستان را به گزینه های دیگر بسپارد، گزینه هایی که به هیچ وجه به خیر و صلاح دولت و جامعهٔ افغانستان نیست.

وقتی یک نظام به بن بست می رسد

وحید مژده

بعد از ناکامی امریکا در عراق، افغانستان یگانه کشوری است که امریکا مدعی پیروزی در آن است. این پیروزی در بخش نظامی نیست زیرا می دانیم که طالبان به شکل روزافزون مشکل آفرین شده اند و جنوب در آتش ناامنی می سوزد. در شمال نیز اندک اندک نشانه هایی از نارضایتی ها به ملاحظه می رسد که حاکمیت دولتی را به چالش فرا می خواند. پس وقتی امریکا از پیروزی در افغانستان سخن می گوید، این پیروزی بیشتر در عرصهء سیاسی است که بخش بزرگی از میلیاردها دلار پول کمک شده به افغانستان را هزینهء سنگین در همین راستا بلعیده است.

لویه جرگه های پرمصرف، تسوید و تصویب قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شورا های ولایتی از جمله مواردی اند که امریکا در افغانستان تجربه کرد و قصد دارد این به اصطلاح پیروزی را به عنوان یک تجربهء پیروز، درسراسر جهان اسلام تعمیم بدهد.

در طول بیش از پنج سال گذشته، مجاهدین به عنوان کسانی که در دوران حاکمیت شان به جای استقرار دموکراسی، در تحکیم حاکمیت فردی و دیکتاتوری کوشا بوده اند، مورد انتقاد های تند خانم ها و آقایان دموکرات قرار گرفتند. خطی که این دولت را از دولت مجاهدین جدا می و متمایز می سازد جایی است که بی قانونی و تمامیت خواهی های سیاسی به پایان می رسد و حاکمیت قانون اساسی و احترام به ارادهء اکثریت مردم آغاز می شود. خط فاصل میان این دو نظام کنفرانس بن در اواخر سال ۲۰۰۱ میلادی است.

اما واقعا چنین است؟ آیا می توان دموکراسی را در چند شبکهء تلویزیونی و یا چند رادیو و روزنامهء آزاد خلاصه کرد؟

دموکراسی نظامی مبتنی بر اصل تفکیک قوای ثلاثه اجرائیه، مقننه و قضائیه است. این سه قوه باید از هم جدا ومستقل و در عین حال در تعامل با هم عمل کنند. اگر قوهء اجرائیه در صدد نفوذ در دو قوهء دیگر به شکلی بپردازد که استقلال آن دو قوه را زیر سؤال ببرد، دیگر این نظام دموکراسی نبوده بلکه دیکتاتوری است.

وقتی قوهء اجرائیه، قوهء مقننه را تحت کنترل خود دانسته از آن خواستار تطبیق اوامر خود گردد، این کار به این معنی است که دولت خود قانون وضع می نماید و خود آن را بر ملت تطبیق می کند. رای و نظر ملت در این میان نقشی ندارد و اگر نهادی به نام پارلمان هم وجود داشته باشد، نقشی سمبلیک دارد و بس. درحقیقت این رأی شاه یا رئیس جمهور است که حرف آخر را می زند. وقتی از دموکراسی دوران ظاهرشاهی سخن به میان می آید، به همین دلیل آن را دموکراسی قلابی می خوانند زیرا شاه به عنوان (تولواک) بر هرسه قوه حاکمیت داشت.

به همین گونه اگر قوهء قضائیه تحت کنترل قوهء اجرائیه باشد، اصل آزادی قضا در کشور از میان می رود و قضائی که مستقل نباشد نمی تواند متضمن اجرای عدل در جامعه باشد.

دموکراسی را نمی توان در وجود چند رسانهء صوتی و تصویری و نوشتاری آزاد خلاصه کرد ولی در دیگر عرصه ها حضور ملت را نادیده گرفت. چنین حالتی به آن می ماند که دست و پای شخصی را ببندید اما دهانش را باز بگذارید تا در اعتراض به این عمل، هرقدر که دلش می خواهد فریاد بکشد و شما بی اعتنا به این داد وفریاد، به مقتضای منافع خود عمل کنید و در عین حال مدعی شوید که اعتراض حق مشروع مردم است ومردم حق انتقاد سالم از دولت را دارند! آیا این کار، به مسخره گرفتن دموکراسی نیست؟

وقتی سخن نمایندگان مردم به کرسی نمی نشیند و قانون اساسی به خاطر مصلحت های خاص مبدل به توپ فوتبال میان سه قوه می گردد، فاتحهء چنین دموکراسی را باید خواند.

پس لازم است تا بار دیگر لویه جرگه یی فرا خوانده شود تا در مورد تعدیلات لازم در این قانون بحث صورت گیرد و قانون اساسی مطابق به ضرورت اصلاح گردد

وقتی فیصله های پارلمان مورد تطبیق قرار نمی گیرد در حقیقت این خواست مردم است کهٔ توسط رئیس جمهور ویتو می شود اما در قانون اساسی چنین حقی برای رئیس جمهور تسجیل نشده است. قانون اساسی می گوید که شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر ارادهء مردم آن

وقتی قوهء اجرائیه، قوهء مقننه را تحت کنترل خود دانسته از آن خواستار تطبیق اوامر خود گردد، این کار به این معنی است که دولت خود قانون وضع می نماید و خود آن را بر ملت تطبیق می کند. رای و نظر ملت در این میان نقشی ندارد و اگر نهادی به نام پارلمان هم وجود داشته باشد، نقشی سمبلیک دارد و بس

است و از قاطبهء ملت نمایندگی می کند.

رئیس جمهور شنیده اند که ایشان در رأس هر سه قوهء دولت قرار دارند اما به نظر می رسد که به این نکته توجه ندارند که این در رأس قرار داشتن به معنی حاکمران بودن و (تولواک) بودن بر هر سه قوه نیست بلکه قوهء اجرائیه مجری تصامیمی هم است که به وسیلهء دو قوهء دیگر گرفته می شود. طبق قانون اساسی وظیفهء اول رئیس جمهور مراقبت از اجرای قانون اساسی است نه زمینه سازی برای زیر پا نهادن قانون.

رئیس جمهور در مورد تصمیم روشنی که به وسیلهء ولسی جرگه با اکثریت آراء گرفته شد و از وزیر امور خارجه سلب صلاحیت صورت گرفت از ستره محکمه جویای نظر گردید. ستره محکمه هم نظر خویش را به رئیس جمهور ارائه داد که به معنی رد نظر ولسی جرگه تلقی شد، ولسی جرگه قبل از رفتن به تعطیلات تابستانی، بار دیگر با اکثریت آراء به فیصلهء خود مهر تأیید و تأکید نهاد اما رئیس جمهور این مسأله را به مجلس وزرا برد و با رأی مجلس وزراء آقای سپنتا به وظیفهء خود به حیث وزیر خارجه ابقا گردید! کدام قانون این حق را به شورای وزرا داده است؟ قانون اساسی می گوید که وزرا از وظایف مشخصهء خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسؤولیت دارند. اما در این جا وزرایند که فیصلهء ولسی جرگه را رد می کنند.

این گونه پاس دادن ها رابطه یی به قانون اساسی ندارد اما اگر کسانی مدعی اند که این کار مطابق به قانون اساسی صورت گرفته است پس مشخص می شود که این قانون اساسی نقاط مبهم و تفسیر طلب فوق العاده زیاد دارد که هرکس مطابق به میل خود از آن بهره برداری می کند و این واقعا مشکل آفرین است. پس لازم است تا بار دیگر لویه جرگه یی فرا خوانده شود تا در مورد تعدیلات لازم در این قانون بحث صورت گیرد و قانون اساسی مطابق به ضرورت اصلاح گردد.

راه دیگر این است که آقای حامد کرزی به عنوان (تولواک) حکم به انحلال پارلمان داده و قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد و با پایان دادن به این پاس دادن های مسخره، علنا اعلام نماید که هنوز این کشور برای قبول دموکراسی آماده نیست اما یکی دو دهه بعد در این مورد با مشورهء دوستان بین المللی! تصمیم گرفته خواهد شد. تا آن زمان آقای سپنتا کاملا به حیث وزیر خارجه و آقای محمد اکبر اکبر به حیث سرپرست وزارت مهاجرین به کار ادامه خواهند داد.

در این کار چندین خوبی مضمر است:

- مردم تکلیف خود با این دیموکراسی را خواهند دانست و توقعات خود را مطابق به شرایط نظام جدید عیار خواهند نمود.
- رئیس جمهور از درد سر پارلمان رهائی خواهند یافت.
- با انحلال پارلمان می توان معاش هر وکیل را به یک وزیر مشاور داد و صدها وزیر مشاور جدید استخدام نمود.
- ترس از استیضاح که اینک موجب نگرانی وزرای محترم گردیده است برطرف می گردد. در نظامی که اینک به بن بست رسیده است، آیا این کار بهتر از وضع فعلی نیست؟

دروغ مه وایئ ځان سم کړئ

عباسی

د ثور د میاشتې په څوار لسمه او پنځه لسمه د کابل په سرینا هوټل کې «پانګونې ته مناسب چاپیریال» په نامه نړیوال کنفرانس جوړ سوي و. چې ولسمشر او کریم آغاخان په کې وینا وکړې او د مالیزیا لومړي وزیر بداوي د ویډیو له لارې نه په خپله وینا کې په افغانستان کې د خصوصي سکتور دو دې لپاره ژمنه وکړه.

دا کنفرانس پر داسې مهال جوړ شو، چې د هېواد په ګوټ ګوټ کې د نا امنیو څپې تاندې شوي او دا چې دا ډول کنفرانسونه جوړېږي؛ نو دا د اذهانو یو ډول اغفال دی، چې معمولاً په سیاست کې دود دی، مونږ دلته په دې اړه د یو شنونکې څرګندونې را اخلو، چې مسئله ښه سپینه شي.

"دا ډول کنفرانسونه، په کابل ښار د لارې بندولو او دعادي وګړیو پر ژوند له ناوړې اغېزې پرته بل څه نه دي او هم ډېری پیسې پرې لګیږي. کوم مطالب چې په کې ویل کیږي یوازې د کاغذ پر مخ لیکنه وي او په هیڅ توګه د افغانستان له اوسنیو شرایطو سره اړخ نه لګوي چې د خصوصي سکتور دودې لپاره اصلاً هېڅ ډول شرایط چمتو نه دي په تیرو کلونو کې دولت همدا ناړې وهلې او هم یې وهي، چې دولت په خصوصي سکتور کې د پانګونې ملاتړی دی؛ خو ټولو ته څرګنده ده، چې پانګوال په کابل کې د امنیتي ځواکونو په شتون کې ډارېږي او یو شمېر یې تېښتول شوي او ځینې یې ګوابنل شوي هم دي. په رڼا ورځ د پولیسو په جامو کې وسله والې غلاوې کېږي او تر اوسه یو وسله وال هم نه دی نیول شوی."

په انګلستان کې لږ تر لږه ډېره دومره عدل و، چې فریادی یې د بشر ضد حقوقو په تور بندي کړ او د ځینو خو زړونه یخ شول؛ خو افسوس چې حکومت د پوستې یو مسوول له ګرېوانه راونه نیو، چې ولې خلک څوروئ

نو له همدې امله د "ایسا" په نامه هغه اداره، چې د خصوصي پانګونې د ملاتړ لپاره جوړه شوې په دې اړه یې خپل تشویشونه څرګند کړي دي او زیاته کړې ده، چې د امنیتي وضعې د خرابېدو له امله پانګونه راټیټه شوې ده. او پر دې سربېره څو ورځې د مخه د سوداګرۍ وزارت وویل، چې د "ایسا" اداره له مونږ سره هېڅ ډول همغږی نه لري، چې دا چار پخپله د یو لړ ستونزو د زیږولو لامل دی.

"دا کنفرانس په داسې وخت جوړ شو، چې هغو موټروالو، چې سوداګریز مالونه له پاکستانه راوړي، په اعتصاب لاس پورې کړو، چې ګویا د لارې پر سر پراته انتظامي چارواکي له مونږه ناحقه پیسې اخلي، که څه هم څو خلي د دې ستونزې د لرې کولو لپاره له هغوی سره ژمنه شوې وه، خو عملي نه شوه. او له دې ځایه معلومېږي چې یوازې د مخالفینو وسله والې ډلې د پانګونې د راټیټېدو لامل کېږي نه؛ بلکې پخپله امنیتي دستګاه او د قانون د تطبیقولو په ادارو کې یو شمېر کسان شته، چې اقتصادي نا امنیو ته لمنه وهي او د پانګوالو زړونه توروي.

د طورخم له دروازې نه تر کابله پورې، د لارې د تللو په نامه او له هر یو انتظامي پوستې نه چې راتېرېږي، پیسې اخیستل کیږي، او دا یوازې په همدې مسیر پورې تړاو نه لري، بلکې له هرې لارې چې کابل ته لارې راځي دا حال یې دی."

حتي د ځینو په وینا د کابل ته ننوتې دروازې په میاشتني لګونو افغانیو پیسو د چارواکیو له لوري نه، په دروازه کې ناستو انتظامي مسوولینو ته په اجاره ورکول کېږي.

"په اوبایمه لسېزه کې به زرداد فریادی په سروبی کې له موټرو څخه باج اخیسته؛ خو اوس همدا باج په رسمي دولتي یونیفورم کې اخیستل کېږي او وایي، چې په دې کې له مونږ سره د لوړ پوړیو چارواکیو هم برخه شته" په انګلستان کې لږ تر لږه ډېره دومره عدل و، چې فریادی یې د بشر ضد حقوقو په تور بندي کړ او د ځینو خو زړونه یخ شول؛ خو افسوس چې حکومت د پوستې یو مسوول له ګرېوانه راونه نیو، چې ولې خلک څوروئ.

سوداګر هم څومره پیسې چې ترې اخیستل کېږي، د مال پر نرخ اچوي او په پایله کې زور یې له ولس څخه وباسي: نو ځکه دا ولس دی، چې د ظلم دروند پیټی یې پر اوږ دی، او حکومت چې ځان د ولس استازی بولي او له ولس سره د خدمت ژمنه کړې، پرې لازمه ده، چې له لارې نه دا خنډونه له منځه یوسي. مخکې تر دې مونږ د حکومت پر مخالفو وسله والو ډلو نیوکې وکړو، لومړی باید پخپله د حکومت هغه امنیتي مسوولین سم شي، چې د پانګونې په مخ کې خنډونه پیدا کوي.

په پای کې وایو، چې دولت دې له ټولو مخالفینو سره د جوړ جاړې له لارې نه، با ثباته حالت راولي. او هم دې اداري سموني وکړي، چې د پانګونې لپاره لازم شرایط چمتو شي او که نه یوازې تش په نوم د کنفرانسونو جوړول د حل لاره نه ده.

آیا خشونت ها مهار خواهد شد؟

نگاهی به حوادث امنیتی اخیر

وحید مژده

در چند روز اخیر شهر های مختلف افغانستان شاهد درگیری و خشونت و حملات انتحاری بوده است. در یک اقدام خشونت بار بی سابقه، یک بس حامل استادان اکادمی پلیس در کابل آماج یک انفجار قرار گرفت که موجب کشته و مجروح شدن ده ها تن گردید.

در ولایات جنوب و جنوب غرب، طالبان کنترل ولسوالی های متعددی را در دست دارند و دامنهء نفوذ خود را تا به ولایت غزنی گسترش داده اند. در حالی که مرکز ولایت غزنی و بعضی از ولسوالی ها هنوز هم در دست دولت است اما طالبان شخص یک دستی را به عنوان والی غزنی منصوب نموده اند. این مسأله خود نشان می دهد که آنها در صدد گسترش بیشتر دامنهء نفوذ خود بر این ولایتند. در قندهار، هلمند وزابل وضع ناگوار تر است.

دولت افغانستان می داند که اعتراف به این مسائل به معنی نشان دادن ضعف بیشتر است پس ترجیح می دهد که حقایق را کتمان کند و هر روز از کشته شدن ده ها طالب در ولسوالی های مختلف خبر دهد واگر اشاره یی هم به شکست خود دارد، آن را عقب نشینی تاکتیکی بنامد. دولت نگران است که اعتراف به ضعف موجب نگرانی مردم و کاهش سرمایه گذاری در کشور خواهد شد اما کسانی که قصد سرمایه گذاری در افغانستان را دارند، از این جریانات بی خبر نیستند.

این که سرمایه گذاران تلاش دارند تا به جای سرمایه گذاری در بخش های دیر ثمر وساختن کارخانه ها که می تواند موجب به میان آمدن فرصت های شغلی برای بیکاران گردد، سرمایه های خویش را در تجارت به کار اندازند به خاطر ترس از همین مسأله است.

این در حالی است که ما شاهد حضور نیروهای نظامی ده ها کشور در افغانستان در چهارچوب نیروهای ناتو و ایساف هستیم. این نیروها تقریبا به صورت مستمر خبر از عملیات علیه طالبان با نامهای به ظاهر وحشت انگیز و رعب آور چون اژدهای هزارسر، آشیل، خشم کوهستان، طوفان کوهستان... می دهند.

حضور این نیروها در افغانستان برای کشور های شان بسیار پر هزینه است اما با وجود آن ما شاهد ضعف قابل توجه در قدرت رزمی طالبان نیستیم. وزارت دفاع می گوید که عملیات انتحاری نشان از ضعف توان جنگی طالبان دارد و آنها توان جنگ رویاروی با نیروهای دولتی را از دست داده اند که دست به این گونه اعمال می زنند. در حالی که می دانیم طرح یک برنامهء خرابکارانه و به اجرا درآوردن آن در قلب استحکامات طرف مقابل، بیش از هرچیز، قدرت وتوان بازدارندگی طرف مقابل را زیر سؤال می برد.

در مورد انفجار بس حامل استادان اکادمی پلیس که گفته می شود عملی انتحاری بوده است تا کنون نقاط ابهام زیادی وجود دارد. بمب بدون تردید در داخل بس منفجر شده است و از آثاری که بعد از انفجار به جا مانده این حقیقت به وضوح آشکار است. مردم می گویند که نیروهای امنیتی ما قادر به تأمین امنیت خود شان نیستند پس آنها چگونه خواهند توانست امنیت مردم را تأمین نمایند؟

در مورد انفجار بس حامل استادان اکادمی پلیس که گفته می شود عملی انتحاری بوده است تا کنون نقاط ابهام زیادی وجود دارد. بمب بدون تردید در داخل بس منفجر شده است و از آثاری که بعد از انفجار به جا مانده این حقیقت به وضوح آشکار است. مردم می گویند که نیروهای امنیتی ما قادر به تأمین امنیت خود شان نیستند پس آنها چگونه خواهند توانست امنیت مردم را تأمین نمایند؟

قدرت مادهء انفجاری کارگذاری شده نیز قابل دقت است. این ماده شاید از نوع (C4) و یا مادهء دیگری قوی تر از آن بوده است. در این اواخر در ماین های کنار جاده هم نوع جدیدی از ماده انفجاری بکار رفته که بسیار قوی تر و تقریبا از نوع موادی است که در عراق توسط القاعده به کار می رود. مواد انفجاری به کار رفته در این ماین ها قادر به تخریب کامل وسایل زرهی می باشد. آیا کار از مرحلهء استفاده از تجارب خشونت در عراق به مرحلهء استفاده از مواد ووسایل هم رسیده است؟

در عراق نیروهای پلیس از اهداف اصلی مخالفان هستند و اکنون به نظر می رسد که عین مسأله در افغانستان نیز در دستور کار القاعده و طالبان قرار دارد. در انفجار اخیر در کابل استادانی که پلیس را آموزش می دادند هدف قرار گرفتند و این به وضوح تلاشی در جهت مختل ساختن آموزش نیروی پلیس است. هرچند طالبان پنج سال را در کابل گذشتاندند و دیگر با این شهر نا آشنا نیستند اما در هدف گیری با این دقت، نمی توان تنها دست طالبان را دخیل دانست. این اقدام هم از نظر تاکتیک وهم از نظر استفاده از مواد انفجاری خاص، شباهت بسیار به عملیات در عراق دارد واین خود شاهدی بر دخالت القاعده در این ماجراست.

آیا این انفجار در نتیجهء یک عمل انتحاری به میان آمده است؟ طالبان مدعی اند که شخصی به نام عبدالرحمن که گویا از ولایت لوگر بوده این عمل را انجام داده است اما رسیدن به حقیقت این مسأله کاری ساده نیست تا به قاطعیت امکان بمب گذاری را رد کنیم. به یاد داریم که چندی قبل یک پلیس مسلح در داخل زندان پلچرخی دو سرباز امریکایی را به ضرب گلوله از پا در آورد و خود به وسیلهء یک سرباز دیگر افغان کشته شد. مسئولان امنیتی مدعی شدند که سربازی که امریکایی ها را کشت، بیمار روانی بوده است. اگر این ادعای مقامات امنیتی را بپذیریم باز هم باید به این نکته اعتراف شود که پروسهء استخدام در پلیس ملی از دقت لازم برخوردار نیست. شاید یک دلیل این امر آن باشد که وزارت داخله تحت فشار قرار دارد تا هرچه زود تر کمیت نیروی پلیس را به حد برنامه ریزی شده برساند.

هرچند طالبان مسؤولیت این اقدام را به عهده گرفته اند و مدعی شده اند که این انفجار در نتیجهء یک عمل انتحاری صورت گرفته است اما نقاط ابهامی در این ماجرا وجود دارد که نشان می دهد خود آنان نیز در جریان کامل ماجرا قرار ندارند.

مدتی قبل القاعده اعلان نمود که شخصی به نام (مصطفی ابویزید) را به سمت فرمانده عملیاتی القاعده در افغانستان منسوب نموده است. هرچند شخصی به این نام قبلا شناخته شده نیست واسم مستعار به نظر می رسد اما گفته می شود که وی قبلا هم در افغانستان بوده و بعد همراه با ابومصعب الزرقاوی به عراق رفته و از یاران او بوده است. گفته می شود که وی مصری الاصل است.

القاعده نه تنها برای حملات انتحاری برنامه می ریزد بلکه در جنگ های چریکی هم طالبان را آموزش می دهد. تعدادی از این گونه کمپ های آموزشی در داخل افغانستان نیز وجود دارد.

عراقی ساختن جنگ در افغانستان از جمله اهدافی است که القاعده دارد. از نظر رهبران القاعده، افغانستان برای شکست ابرقدرت ها بهترین و مناسب ترین محل است و در گذشته دوبار دو ابرقدرت در افغانستان طعم شکست را چشیده اند. بنابراین در این مرحله افغانستان از نظر آنان میدان جنگ خواهد بود.

به مناسبت روز فرشتهء زمینی که نام دیگرش مادر است

ماهیت مادر

عبدالأحد تارشی

اسمان را گفتم
می توانی ایا
بهر یک لحظهء خیلی کوتاه
روح مادر گردی
صاحب رفعت دیگر گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
کهکشان کم دارم
نوریان کم دارم
مه وخورشید به پهنای زمان کم دارم
***
خاک را پرسیدم
می توانی ایا
دل مادر گردی
اسمانی شوی وخرمن اخترگردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
بوستان کم دارم
در دلم گنج نهان کم دارم
***
این جهان را گفتم
هستی کون ومکان را گفتم
می توانی ایا
لفظ مادر گردی
معنی رفعت را
معنی عزت را
معنی شوکت را
بهر یک ثانیه بستر گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
اسمان کم دارم
اختران کم دارم
رفعت وشوکت وشان کم دارم
عزت ونام ونشان کم دارم
***
ان جهان راگفتم
می توانی ایا
لحظه یی دامن مادر باشی
مهد رحمت شوی وسخت معطر باشی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
باغ رنگین جنان کم دارم
انچه در سینهء مادر بود ان کم دارم
***
روی کردم با بحر
گفتم اورا ایا
می شود اینکه به یک لحظهء خیلی کوتاه
پای تا سر همه مادر گردی
عشق را موج شوی
مهر را مهر درخشان شده بر اوج شوی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
بیکران بودن را
بیکران کم دارم
ناقص ومحدودم
بهر این کار بزرگ
قطره یی بیش نیم
طاقت وتاب وتوان کم دارم
***
سجده را گفتم
می توانی ایا
لب مادر گردی
عسل وقند بریزد از تو
لحظهء حرف زدن
جان شوی عشق شوی مهر شوی زرگردی
گفت نی نی هرگز
گل لبخند که روید زلبان مادر
به بهار دگری نتوان یافت
دربهشت دگری نتوان جست
من ازان اب حیات
من ازان لذت جان
که بود خندهء اوچشمهء ان
من ازان محرومم
خندهء من خالیست
زان سپیده که دمد از افق خندهء او
خندهء او روح است
خندهء او جان است
جان روزم من اگر،لذت جان کم دارم
روح نورم من اگر، روح وروان کم دارم
***
مهر را پرسیدم
می توانی ایا
مهر مادر گردی
بیش ازین روشن وتابان ومنور گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
اسمانی که دران ابر ندارد راهی
چون سپهر سخنان مادر
اسمانی که همه پیکر تابش باشد
روشنانش همه دستان نوازش باشد
همچو شیرینی جانبخش زبان مادر
این وان کم دارم
مثل مادر دل از مهر تپان کم دارم
***
کردم از علم سوال
می توانی ایا
معنی مادر را
بهر من شرح دهی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
منطق وفلسفه وعقل وزبان کم دارم
قدرت شرح وبیان کم دارم
***
درپی عشق شدم
تا درائینهء او چهرهء مادر بینم
دیدم او مادر بود
دیدم او در دل عطر
دیدم او در تن گل
دیدم اودر دم جانپرور مشکین نسیم
دیدم او درپرش نبض سحر
دیدم او درتپش قلب چمن
دیدم او لحظهء روییدن باغ
از دل سبزترین فصل بهار
لحظهء پر زدن پروانه
در چمنزار دل انگیزترین زیبایی
بلکه او درهمهء زیبایی
بلکه او درهمهء عالم خوبی، همهء رعنایی
همه جا پیدا بود
همه جا پیدا بود

"راه نیستان" از راه رسید

خواجه بشیر احمد انصاری

پیوند میان سیاست و ادبیات بحث جدیدی نیست بلکه بر می گردد به یونان باستان و فلاسفهٔ بزرگ آن. آثار اندیشمندان اثر گذار بر تفکر بشر از افلاطون گرفته تا روسو و سارتر و شوپنهاور و نیچه و بالآخره تا ادوارد سعید و نوام چومسکی موید این ادعا است.

در کشور ما هم بزرگان دپلوماسی افغانستان کسانی بودند که در میان کار سیاسی و ادبی رفت و آمد می نمودند. محمود طرزی، صلاح الدین سلجوقی، خلیل الله خلیلی، عبدالرحمان پژواک و عبدالغفور روان فرهادی

نمونه های بارز سیاستمداران ادیب و ادیبان سیاستمدار به حساب می آیند. کسانی که در عرصهٔ دپلوماسی کشور کار کرده اند و یا این که همین حالا مسؤولیت دارند، می دانند که ذکر نام هر یکی از این بزرگان در حلقهٔ دپلوماتهای خارجی چقدر به افتخار و آبروی انسان می افزاید. سلجوقی دورانی شیخ السفرای جامعهٔ دپلوماتیک قاهره بود که نقش بزرگی در تقویت پیوند های مشترک ملتهای منطقه بازی نمود. خلیلی شخصیت دیگری بود که بر حوزه های علمی و سیاسی و ادبی شام و بغداد و کویت و جده تأثیر بزرگی داشت. پژواک و طبیبی و فرهادی هم کمتر از آنها نبودند.

کار و فعالیت فرهنگی در کشور ما همیشه متأثر از شخصیتهایی بوده است که در رأس نهاد های فرهنگی قرار داشته اند. این قاعده هم می تواند در گذشته قابل تطبیق باشد و هم در آینده، هم در داخل افغانستان و هم در خارج آن. گاهی می شود که چشم قشر کتابخوان افغانستان به نشریه و یا ماهنامه یی عادت می کند ولی چندی نمی گذرد که با تبدیلی شخص اول سفارت، و یا اتشهٔ فرهنگی آن دیگر نامی از آن شریه بگوش نمی رسد. چه با سعادت اند دپلوماتهایی که بجای قناعت به دید و وادید های خشک و بی روح و یا اکتفا به شرکت در محافل دپلوماتیک می خواهند تأثیری بر مجرای فرهنگ کشور گذارند.

اگر از حق نگذریم جنابان هر یک مسعود خلیلی و عبدالقیوم ملکزاد از همین دسبه افراد اند که کارنامه های فرهنگی شان هم در دوران جهاد، هم در دوران مقاومت وهم پس از ان سخت قابل ستایش است.

چندی قبل ایمیلی مواصلت نمود که از تأسیس فصلنامه ای خبر می داد و دو روز پیش هنگامی که صندوق پستی را باز نمودم چشمم به دیدن مجلهٔ وزین «راه نیستان» که تازه از راه رسیده بود روشن گردید. هنوز آفتاب غروب نکرده بود که نیمی از آن را مطالعه نموده و لذتی فراوان عائد حالم گردید. مطالب این شمارهٔ «راه نیستان» بر محور قلهٔ بلندی از قلل فرهنگی ما می چرخید که او را محمد بن محمد بن حسین بلخی ملقب به جلال الدین خوانند. کاری را کهٔ سفارت افغانستان در ترکیه به مناسبت هشتصدمین سالگرد تولد مولانا انجام داد بسیار به موقع بود. با آنکه مولانا و فرهنگ او برای هفتصد سال تمام در تاق بلند خانه ها و بیت المعمور دلهای مردم ما جا داشته است ولی در تمامی این مدت حکومتهای ما در حق او سخت بی انصافی روا داشته اند. آنها که برخی موسسات تعلیمی کشور را بنام دیوانگان و دزدان نامی تاریخ نامگذاری نمودند هیچگاه حاضر نشدند تا حد اقل یتیم خانه ای را بنام شخصیتی مسمی نمایند که نامش امروز بر سر زبان فرزندان رنگارنگ ادم است. در عصری که تریاک و ترور و تبعیض و مافیا و قبیله و تبار و خودباختگی معرف شخصیت ملی ما در خارج گردیده، جامعهٔ ما و دیلوماسی ما در چنین شرایطی بیشتر از هر زمان دیگر نیازمند احیای نام بزرگان فرهنگی قلمرو افغانستان می باشد.

فصلنامهٔ «راه نیستان» که توانسته است جمع کثیری از فرهنگیان ما را بر سر خوان مولوی دعوت نماید، شایستهٔ هرگونه ستایش است. این مجله در ۴۴۰ صفحه و به پنج زبان نشر شده و حاوۆ ده ها مقاله پیرامون مولوٌ و اندیشه های او است. برای آنکه هم کوتاهی قبلی را جبیره نموده باشم و هم جای یکی از زبانهای منطقه را که در فصلنامهٔ مذکور خالی مانده است پر کرده باشم، مقاله ای را که زیر عنوان **«مولانا جلال الدین الرومي، شاعر افغانستاني يضرم النار فی عشاق العالم»** نگاشته ام حضور ایشان می فرستم.

این فصلنامه به مانند هر مطبوعهٔ دیگر کاستی هایی هم دارد ولی این نواقص نسبت به هر مجلهٔ دیگری که در خارج نشر می شود کمتر به نظر می آید. اگر لازم باشد تا هنگام صحبت از نقاط قوت نشریه ای بر نقاط منفی آن نیز انگشت گذاشته شود من برای این منظور سر مقالهٔ مدیر مسئول را می گزینم.

سر دبیر محترم مجله پس از آنکه داستان گزینش عنوان این فصلنامه را در پیش در آمد خویش در سه صفحه می نویسد، حکایت می کند که چطور با شماری از فرهنگیان تماس گرفته و نظریات سی تن أنها را جویا شده است که جمع بزرگی از آنها «از بلخ تا قونیه» را پسندیده و دیگران نامی کوتاه تر را پیشنهاد نمودند. سپس می نگارد که در یکی از روزهای واپسین تایپ نشریه، با آقای مسعود خلیلی نشسته بودند که اخیرالذکر غزلی از اشعار امیر سخن، مرحوم خلیلی را زمزمه نمودند و هنگامی که به این بیت خلیلی رسیدند که میگوید:

ناله به دل شد گره راه نیستان کجاست؟
خانه قفس شد به من، طرف بیابان کجاست؟

اقای خلیلی رو به طرف آقای ملکزاد نموده و می گوید: حال بگو که تو برای نشریهٔ خود چه می جویی؟ همینجا است که جناب ملکزاد به کنه سوال سفیر کبیر کشور پی برده «به گپ می رسد» و می گوید: «راه نیستان». هنگامی که این داستان را خواندم گفتم که اگر قرار بود تا نام فصلنامه را آقای سفیر از دیوان ملک الشعرای دوران ما برگزینند و سپس اتشهٔ کلتوری سفارت بر انتخاب ایشان صحه گذارند، پس این همه مشوره و رأی گیری برای گزینش نام برای چه بود؟ با خود گفتم که آنها شاید خواسته اند تا فرهنگ نظر خواهی در دموکراسی آقای کرزی را به شکل زندهٔ آن تمثیل نمایند. دموکراسی ای که پارلمان دارد ولی رئیس نظام با مردم قرار داد بسته است که مردم هرچه دلشان خواست نظر دهند و او هرچه دلش خواست انجام دهد.

در خاتمه جا دارد تا دست آقایان هریک مسعود خلیلی و ملکزاد را فشرده و این پیروزی را برای ایشان و خانوادهٔ سفارت افغانستان در انقره تهنیت عرض نماییم.

در پایان این نوشتار شتابزده ، خورشید اندیشه های تابناک مولانا را تابان تر و رهروان راهش را افزون تر می خواهیم.

روز(۲۴ جوزا) به روز مادر نامگذاری شده است. سخنانی زیاد در مورد مادر از سوی ادیان مختلف آسمانی، دانشمندان علم اجتماع، شعراء و نویسندگان گفته شده است تا اینکه مادر را هدیهٔ بهشتی و معنوی خدا بر زمین خوانده اند و گهواره جنبان جهان و سازندهٔ سرنوشت و سرشت انسان. تجلیل از مادر و گرامی داشت یاد و نام مادر، در تقویم کشورها سنت حسنه یی است که تجلیل از عشق، محبت و ناموس خداوندی در سرزمین محسوب می شود.

آیین مطهر اسلام در مورد والدین هدایت می دهد (و لاتقل لهما أف و لا تنهرهما) حتی یک اف گفتن را در برابرش جایز نمی داند و بار غبار کمترین رنجش خاطر را برایش نمی پسندد.

خداوند متعال بودن و تداوم مرد را وابسته به زن می داند، همین اکنون زن نیمی از پیکر جامعهٔ جهانی را می سازد و در همه جذر و مدهای سیاسی، دفاع مقدس و بنیاد تمدن بزرگ بشری سهم برابر با مردان داشته و دارند. عدم حضور زن در کارسازندگی، آموزش و پرورش و ایجاد گری به یقین یک جامعهٔ فاقد احساس و نشاط را به وجود می آورد، تجربه نشان داده است، اطفالی که دور از دامان خانواده و مادر بزرگ شده اند و یا در یتیم خانه ها، تربیه شده اند، با خشونت همراه بوده، کمتر عاطفه بشری را درک می کنند و جامعهٔ انسانی در نظر شان هم چون جسمی بی روح تبارز می نماید. اما طوریکه دیده شده است، زن و مادر در حوادث زندگی بزرگترین آسیب ها را متحمل گردیده اند و همین اکنون به مثابهٔ موجود افزاری در دست دنیای زر و زور و سرمایه قرار دارد، طوری که مادران در دنیای متمدن امروزی در ایام کهولت و پیری به آسایشگاه ها به دور از خانواده و اجتماع رانده می شوند و به عنوان بار دوش جامعه و مزاحم خانواده به چنین سرنوشتی محکوم می گردند و در یک خلاء مطلق عاطفی قرار می گیرند و در روزگاری که لازم است، بر انان ترحم و دلسوزی صورت گیرد و ایام سالخوردگی خویش را که هر لحظه نیاز به

به مناسبت روز جهانی مادر

مادر، مظهر مهر الهی در زمین

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

کمک و ترحم خانواده دارند، در خانه های سالمندان که از سوی دولت برای آنها در نظر گرفته شده است، جدا از خانه و خانواده و فرزند و نزدیکان، زندگی پر مشقت را با تنهایی و در فضای یأس و دلتنگی سپری می نمایند و برای مرگ دقیقه شماری می کنند. سرنوشت مادر و پدر سالمند در دنیای پیشرفته، دنیایی که شعار حقوق بشر و حقوق زن همه جا را پر کرده و سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی را به زن ستیزی و تبعیض جنسی متهم می نمایند. این فرهنگ کم و بیش در کشور های اسلامی ریشه دوانیده و با پیروی از کشورهای اروپایی در برخی از شهرها، خانه های سالمندان تهیه نموده اند و مادران و پدران سالخورده به این خانه ها پرتاب می شوند.

خوشبختانه مادر در افغانستان از مقام بلند معنوی برخوردار می باشد و الحمدلله و المنه والدین با حرمت و اجلال در ایام پیری در کنف خانواده به سر می برند. اما در صد سال اخیر مادران آماج حوادث و طوفان های بی شماری قرار گرفته اند که نمی توان از آن انکار کرد که کرامت و عزت تعدادی از مادران کشور پایمال گردیده است.

وقتی امروز ما از مادر سخن می گوییم بالتبع از زن هم سخن می گوییم زیرا نمی توان مسائل مادر را جدا از مسائل زن مطرح کرد.

در حکومت طالبان تام زن با تراژدی خونین گره خورده بود و هر روز از عمر طالبان برای زنان کشور یک تراژدی محسوب می گردید.

افغانستان در نظام طالبان یکی از سرزمین هایی بود که شدید ترین تبعیض جنسی در آن جامعه حاکم بود. در این حاکمیت به شیوهٔ دین مقدس اسلام به زن ها نگریسته نمی شد، فقط زن برای طالبان یک فاجعه بود، زیرا این گروه در دامان مادر و خانواده تربیه نگردیده بودند. زن و مادر برایشان یک موجود تا آشنا، و در نهایت یک موجود اغوا کنندهٔ مردم محسوب می گردید.

طالبان در قدم نخست چنین محدودیت هایی را برای زنان وضع نموده بودند.

۱- بستن درس و مکتب به روی زنان

۲- ممنوعیت اشتغال

۳- کنترول شدید بر رفت و آمد زنان در برون از خانه

سالروز تجلیل از مقام مادر یکبار دیگر برای ما باید فرصت درست اندیشیدن را دربارهٔ مادر و زن داده باشد، تا مظلومیت آنان و تراژدی آنها بدون در نظر داشت تعلقات قومی و سمتی به بررسی گرفته شود و دشمنان آزادی و کرامت زن و جریان زن ستیزی بررسی گردد و در راه محو آن برنامه هایی مشخص روی دست گرفته شود و همهٔ توانایی ها در راه بریدن دستان پیدا و پنهان خشونت علیه زنان بسیج گردد و برضد پدیده های خشونت علیه زنان و زن ستیزی گام های عملی برداشته شود تا زنان جایگاه بایستهٔ انسانی خویش را در جامعه بیابند

اثرات منفی این دوره ها هم اکنون در برخی از مناطق دیده می شود چنانچه همین اکنون در صورتی که بین دوقوم نزاع و کشیدگی وجود داشته باشد، زن را در این میان وجه المصالحه قرار داده با هم صلح می کنند، در برخی از مناطق کشور زنان از میراث محروم ساخته می شوند و یا به حقوق آنها کمتر پرداخته می شود، به همین گونه زنان بیوه وادار ساخته می شوند، تا با یکی از اقارب شوهر متوفای خویش ازدواج نماید.

دختران بدون مصلحت و رضایت آنان از جانب پدر، برادر و دیگر اقارب به شوهر داده می شوند و به دختران حق اعتراض داده نمی شود.

حتی در برخی از مناطق افغانستان همین اکنون دختران معاوضه می شوند، طوری که این رسم در دوره جاهلیت وجود داشت، این کار چنین بود که مردی دختر یا خواهر خود را به مرد دیگر می داد و در مقابل دختر و یا خواهر آن مرد را به عقد خود در می آورد، هر یک از دختران مهریهٔ دیگر به حساب می آمد و این در حالی است که اسلام آن را ممنوع قرار داده چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (لا شغار فی الاسلام) یعنی در اسلام معاوضهٔ دختران ممنوع است و زن حریت و استقلال دارد تا همسر خود را خود انتخاب نماید.

سالروز تجلیل از مقام مادر یکبار دیگر برای ما باید فرصت درست اندیشیدن را دربارهٔ مادر و زن داده باشد، تا مظلومیت آنان و تراژدی آنها بدون در نظر داشت تعلقات قومی و سمتی به بررسی گرفته شود و دشمنان آزادی و کرامت زن و جریان زن ستیزی بررسی گردد و در راه محو آن برنامه هایی مشخص روی دست گرفته شود و همهٔ توانایی ها در راه بریدن دستان پیدا و پنهان خشونت علیه زنان بسیج گردد و برضد پدیده های خشونت علیه زنان و زن ستیزی گام های عملی برداشته شود تا زنان جایگاه بایستهٔ انسانی خویش را در جامعه بیابند.

بحثی دربارهٔ آشفتگی های اوضاع کنونی



واقف حکیمی

سه شنبه شب هفتهٔ پیش رادیوی بی بی سی در برنامهٔ پشتو میز گردی داشت دربارهٔ اوضاع کنونی کشور که این مسأله را از پهلوهایی گونه گون مورد ارزیابی قرار داد. در این بحث نویسندهٔ این سطور (واقف حکیمی) و آقایان اسماعیل یون یکی از مقامات ریاست جمهوری و لطف الله مشعل رئیس دفتر مطالعات استراتژیک شورای امنیت ملی شرکت ورزیده بودند. این بحث را خانم نجیبه لیمه از لندن گردانندگی می کرد.

خانم لیمه مطرح کرد که علل اصلی حادثهٔ جوزجان و درگیری لوی سارنوال و ژنرال جرأت و امثال این ها چیست و در کل که نمایندهٔ دبیر کل سازمان ملل متحد در این روزها گفته است که دولت نتوانسته حاکمیت قانون را تأمین کند، چه دلائلی دارد؟

لطف الله مشعل گفت که عامل عمدهٔ این مسأله وجود گروه های مسلح غیر قانونی است و پروسهٔ خلع سلاح برای همین منظور در طی دو برنامه DDR و دایاگ به وجود آمد. برنامهٔ دی دی آر به خلع سلاح قطعات نظامی اردوی پیشین مربوط می شد که کار آن تمام شد و برنامهٔ دایاگ خلع سلاح گروه ها و افراد بیرون از نیروهای اردوی پیشین را در نظر دارد که تا هنوز کارش تمام نشده است و امید است با انجام این کار وضعیت امنیتی کشور بهبود یابد.

آقای اسماعیل یون گفت که از اول هم دولت و هم جامعهٔ جهانی تنها متوجه یک جناح از مخالفان دولت شدند که آن عبارت از طالبان هستند که مسلحانه برضد دولت می جنگند اما متوجه دستهٔ دیگر از مخالفان که در درون دولت قرار دارند نشدند. به سخن او خطر بزرگ دولت را از ناحیهٔ این دستهٔ دوم تهدید می کند که آنان هم در درون دولت قرار دارند و هم در بیرون آن در هیأت اپوزیسیون دولت. مراد آقای یون از این مخالفان دستهٔ دوم بی تردید مجاهدین به ویژه آنانی است که وی ایشان را جبههٔ متحد شمال! می خواند. او افزود که با غفلت دولت اینان در پارلمان هم حضور چشمگیر یافتند.

بی تردید کسانی که در اطراف آقای کرزی برای پنهان کردن ضعف های حکومت در طرح برنامه های ملی و عملی کردن آن به این بهانه ها جنگ می زنند و به تبلیغات برضد مجاهدین می پردازند کم نیستند.

من گفتم که متأسفانه خود آقای کرزی و حلقاتی ویژه در اطراف او باعث برهم زدن اوضاع شده اند و به سخن استاد ربانی در یکی از مصاحبه های اخیرش آقای کرزی بیشتر از دیگران برای خودش بحران می آفریند او به جای هنرمندی در دوست یابی و جمع کردن در راندن دوستان و همکارانش هنر نشان می دهد. متاسفانه چنان که انتظار می رفت از آغاز دورهٔ جدید به صورت جدی و صادقانه در جهت وحدت ملی به مفهوم واقعی کلمه کار نشد و برای نهادینه کردن ارزش های اساسی دموکراسی، عدالت و برابری و برادری که ارزش های همیشگی دین ما نیز است تلاشی صورت نگرفت. در جرگهٔ تصویب قانون اساسی از سوی دلسوزانی زیاد تلاش شد تا راه حل های دایمی برای مشکلات مزمن کشور جستجو شود اما با تردستی گروهی از اطرافیان آقای کرزی و تحت فشار خارجی ها بسیاری از مسائل مهم لاینحل باقی ماند و بر مردم تحمیل شد. این مسأله متأسفانه تا امروز بدین منوال ادامه دارد. آقای کرزی و اطرافیانش به نام دموکراسی به مشارکت سیاسی نه بلکه به سربازگیری از دیگران روی اورده اند. به همین دلیل است که آقای یون و امثال وی انتخابات ریاست جمهوری را قبول دارند ولی انتخابات پارلمانی را به دلیل حضور چشمگیر مجاهدین قبول ندارند. این اندیشه ها خود بحران آفرین است.

دربارهٔ درگیری جوزجان نیز گفتم که بیشترینه چنین حوادثی از همین دید اطرافیان آقای کرزی به مسائل ملی سرچشمه می گیرد. ممکن است میان آقای جمعه خان همدرد و هواداران ژنرال دوستم مسائلی وجود داشته باشد. اما باید حکومت برای گزینش والی ها حساسیت های منطقه یی و مردمی را در نظر بگیرد که تا هنوز این کار نشده است و نتایج بدی هم داشته است. آقای کرزی غالباً والیان و ولسوالان را نه به انگیزهٔ کاردانی و خدمت گزاری به مردم بر می گزیند بلکه بیشتر به ملحوظات سیاسی این کار را می کند. غالباً این والیان و ولسوالان درمیان مردم از جایگاهی برخوردار نیستند. همین است روز تا روز میان حکومت و مردم فاصله بیشتر می شود. بهترین گزینه در این مورد لا اقل در شرایط کنونی این است که والیان باید از سوی مردم انتخاب شوند و یک مشروعیت دو سویه داشته باشند هم از اعتماد مردم برخوردار باشند و هم از اعتبار حکومت.

آقای مشعل دربارهٔ دخالت افراد شرکت های امنیتی در ایجاد نا امنی ها گفت که در بسیاری از حوادث قتل و دزدی و قاچاق مواد مخدر همین شرکت های امنیتی دست دارند و این شرکت ها به خارجی ها و شهروندان افغانستان تعلق دارند و ۸۰ در صد آنها به گونهٔ غیر قانونی فعالیت می کنند.

سپردن برخی از مسائل امنیتی به شرکت های خصوصی نیز از دست آوردهای حکومت است و بدتر آن که ۸۰ در صد فعالیت های آنها غیر قانونی است و از همه بدتر آن که کمپنی های خارجی هم در مسائل امنیت داخلی شهرها کار می کنند. مسؤول همهٔ این ها چه کسی است؟ حکومت یا مردم یا این کمپنی ها؟ مردم که حکومت را مسؤول می دانند و برخی از ناظران به این باور هستند شماری در درون حکومت می خواهند کارهای امنیتی را که به عنوان یکی از کارهای تجارتی پر در آمد مطرح شده است در اختیار خود و کسانی خود بگیرند و به این بهانه ها دیگران را که مورد نظر نیستند از میدان برانند.

دموکراسی در افغانستان

تمرین در مکاتب، تحریم در دانشگاه ها

پوهنمل سید عنایت الله شاداب



اصل منفعت و مصلحت در کنش ها و واکنش های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... امری است انکار ناپذیر که تا جایی درخواسته های غریزی انسان ریشه داشته و نمی توان آن را نا دیده انگاشت.

اما قربانی هر ارزشی در پای مصلحت و منفعت ـ که بسا نظریه پردازان لیبرالیزم معاصر نیز بر آن پا فشاری دارند ـ بحث دیگری است بالاتر از حوصلهٔ نوشتار کنونی. همه آگاهی دارند که در این چند هفتهٔ اخیر آقای کرزی رئیس جمهور ضمن دیداری با استادان و محصلان دانشگاه های کابل بر دوری مراکز دانشگاهی از فعالیت های سیاسی تأکید ورزید و محصلان را از شرکت در بازی های سیاسی هشدار داد و رفتن به جریان های سیاسی را چنان وا نمود کرد که گویا محصلان نالایق و بی استعداد خود را مشغول چنین کارها می کنند.

این موضعگیری رئیس جمهور در برابر کنش های سیاسی به ویژه در دانشگاه ها صاحب این قلم را به یاد آن گذشته های دور برد. این سخنان آقای کرزی مرا به یاد مرحوم دکتر محمد یوسف اولین نخست وزیر دههٔ دموکراسی در افغانستان انداخت که در برابر حرکت های سیاسی دانشجویی آن وقت و گرایش محصلان و شاگردان به آن حرکت ها گفته بود: شما مشغول فرا گرفتن درس های خود باشید، پدران و بزرگان شما کارها و امور مربوط به مملکت را به پیش می برند و...

حقیقتی را که در این دو موضعگیری همگون و همخوان و متفاوت از نگاه زمان می توان بخوانش گرفت این است هر گاه حرکت های سیاسی ـ در هر سطحی که باشند ـ با منافع قدرتمندان بر سر اقتدار شاخ به شاخ شوند در آن صورت باید راه آن ها را بست.

البته این گونه موضعگیری رئیس جمهور در برابر کنش ها و فعالیت های سیاسی در دانشگاه از طریق رسانه های همگانی به گونه هایی مورد بحث و بر رسی و کنکاش قرار گرفت و پهلوهای مختلف آن را به کالبد شگافی گرفتند.

اینک در هفتهٔ اخیر ما شاهد ابتکار جدیدی از طرف وزرات های اطلاعات و فرهنگ و معارف و... در مورد بر گزاری پارلمان آموزشی جوانان در سطح صنوف دوازده هستیم که با پیام های مقام های بزرگ دولتی در تالار مجلس سنا گشایش یافت.

نسل جوان افغانستان را نباید دست کم گرفت و سبک وزن کردن درک و احساس جوانان این کشور که به تعبیر علامه اقبال "طفلک ده ساله اش لشکر گیر است" زمینه ساز زایش پویش های سیاسی دیگری خواهد بود که شاید

نا گفته نباید گذاشت که راه اندازی برنامه ها و ابتکارات و نو آوری هایی از این طراز برای رشد استعداد های نسل جوان امری است کاملا پذیرفتنی و همه بایست از چنین برنامه هایی پشتیبانی کنند اما حرف اصلی در این جاست که چرا دولت و در رأس آن جناب رئیس جمهور تمام محصلان و استادان دانشگاه را از شرکت در فعالیت های سیاسی در دانشگاه ها هشدار می دهد، و دست زدن به فعالیت های سیاسی را به باد انتقاد می گیرد، و دغدغه ها و نگرانی هایش را به نمایش می گذارد. در مقابل با راه اندازی انتخابات در صنوف دوازده مکاتب در شهر کابل با پشتیبانی مادی و معنوی دولت، پارلمان امور جوانان تشکیل می گردد و از طریق رسانه های تصویری و شنیداری به نفع آن تبلیغ می شود.

جای پرسش است: اگر ایجاد پارلمان امور جوانان در سطح صنوف دوازدهٔ مدارس ـ که از سرتا به پا نمادی است از یک برنامهٔ تمام عیار سیاسی در مدارس ـ امری است پذیرفتنی و دلخواه و شاید بگویند گامی است در راه توسعهٔ سیاسی. به یقین راه اندازی چنین حرکتی و اجازه دادن به حرکت هایی از این طراز در دانشگاه ها به مراتب مؤثر تر و منطقی خواهد بود

شکی نیست که چنین عملکرد ها از طرف دولت خود بیانگر این است که حرکت های سیاسی در سطوح مختلف جامعهٔ ما، با دو معیار وزن می شوند به این بیان که هرگاه اگر کنش های سیاسی در راستای تأمین منافع مراکز قدرت و استحکام سیاست سلیقه یی آن ها راه اندازی شوند، حرکت هایی اند خوب و باید برای شاخ و پنجه دار شدن آن از هیچ تلاشی دریغ صورت نگیرد.

ولی هرگاه اگر کنش های سیاسی و دست زدن به این گونه فعالیت ها به دور از برنامه های حکومت راه اندازی شوند در آن صورت امری است قابل تأمل و نظر.

جای پرسش است: اگر ایجاد پارلمان امور جوانان در سطح صنوف دوازدهٔ مدارس ـ که از سرتا به پا نمادی است از یک برنامهٔ تمام عیار سیاسی در مدارس ـ امری است پذیرفتنی و دلخواه و شاید بگویند گامی است در راه توسعهٔ سیاسی. به یقین راه اندازی چنین حرکتی و اجازه دادن به حرکت هایی از این طراز در دانشگاه ها به مراتب مؤثر تر و منطقی خواهد بود.

اما با همهٔ آنچه گفته آمد شرکت محصلان در فعالیت های سیاسی مورد نکوهش قرار گرفت و بالعکس پارلمان آموزشی جوانان در مکاتب ایجاد و به کار خود با تبلیغات بس گسترده آغاز کرد.

آیا این سیاست یک بام و دو هوا و سبک و سنگین کردن قضایای زندگی در عرصه های مختلف با دو معیار، در کشوری چون افغانستان، آن هم در عصر انقلاب اطلاعات خواهد توانست پرسشهای بی پاسخ دوران کنونی را پاسخ دهد؟ نظام ها چه بخواهند و چه نخواهند فرزندان تربیت یافته در دامان عصر پر نشیب و فراز کنونی پر از چیستی ها و چراها، سربازان کارزار میدان سیاست خواهند بود و در ادامه این راه به سائقه سیاسی بودن ذاتی خود، به دور از توجه به اجازه هر مقامی گام خواهند برداشت.

دولتمردان این کشور باید از این خرد سیاسی برخوردار باشند که حرکت در قطب مخالف خواست زمان پیامدی جز شکست و ناکامی ندارد.

آیا راه اندازی برنامه هایی از این طراز نمی تواند بستری باشد برای رویش پرسش هایی در راستای بازی در اذهان نسل جوان که نسبت به هر قشری بیشتر می پرسد و بیشتر می جوید.

نسل جوان افغانستان را نباید دست کم گرفت و سبک وزن کردن درک و احساس جوانان این کشور که به تعبیر علامه اقبال "طفلک ده ساله اش لشکر گیر است" زمینه ساز زایش پویش های سیاسی دیگری خواهد بود که شاید اکنون تصور آن هم در اذهان جوانه نزده باشد و عادی ترین فرد امروز در مسائل بغرنج زندگی کنونی به سان فیلسوفان دوران گذشته می اندیشد و داوری می کند.

جوانان در هر سطحی که هستند به حکم طبیعت و شرست خویش سرباز کارزار سیاستند و دور نگه داشتن اجباری آنان از ورود به این پویش ها جز این که کوبیدن آهن سرد و جستن آب در سراب باشد تعبیر دیگری نمی تواند داشته باشد.

هرکه نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد زهیچ آموزگار

ملت په ماتم کې دی

عبدالواسع

د جوزا په ۲۲ مه په لوګر کې پر "ليسه نسوان قلعه سيدا" دوه موټر سايكل سپورو، چې كلاشنكوف او تفنګچې ورسره وې بريد وكړ، چې د ډزو له امله يې د دولسم ټولګي زده كړې (سديه) او د شپږم ټولګي زده كړې (شكريه) شهيدانی او شپږ نورې ټپياني شوې. دعينې شاهدانو د وينا له مخې بريد كوونكيو تر ډزو وروسته د سپرلی وسيلي پر ښودې او په كليو كې وتښتېدل. دا پېښه په دولس نيمو بجو وشوه؛ خو د لوګر اړوند مسوولين تر نيم ساعته پورې پرې ناخبره وو.

دغسې د جوزا په شلمه د ولسي جرګې د استازې ډاكتر رنجبر خسر په لغمان كې او د جوزا په ۲۱ مه د وردګو په ولايت كې د حاجی خليل پخواني جهادي قومندان وژنه او د جوزا په ۲۲ مه په كونړ كې د ښوونځي پر دريو شاګردانو د امريكائي ځواكونو بمباري او د هغوی وژل، د ننګرهار د خوګيانيو په "كړه باوې" سيمه كې د اوو تنو پوليسو وژل او د څلورو ټپي كول په جبل السراج كې ذكيه ذكي او په كابل كې د شكيبا څانګې وژنه، او پر دې ټولو سربېره د جوزا پر ۱۸ مه په څلور نيمو بجو د غزنې پر لاره په سالار سيمه كې د سپرليو پر موټر د سوله ساتو ځواكونو د ټانك ختل او په پايله كې يې يوولس تنه شهيدانېدل چې بيايې د هر شهيد وارث ته لس زره امريكايي ډالره وركړل، چې دا ټولې پېښې ښيي، چې ملت په ماتم كې دی او بايد چې مسوولين د امنيت چاروته ټينګه پاملرنه واړوي.

په اصطلاح په تېروتنه كې د بمبارۍ له امله، دا څويم څه چې حتی له شمېره وتلې ځل دی، چې ولس يې قرباني دی او هر ځل چې دا پېښه وشي، چې چارواكي وايي چې دغه دی، كميسيون جوړ شو او تر دې وروسته به يې مخه ونيول شي؛ نو دا هر څه د اوبو پر مخ ليكل دي.

د ستونزی د اواري اساسي لاره دا ده، چې د افغانستان بهرنې دوستان دې له زړه نه د ملی پوليسو، ملی اردو او امنيتي ځواكونو په رغاونه او سمالونې كې ګامونه پورته كړې چې بيا مونږ افغانان پخپله كولای شو، چې د ثبات او امنيت له مخالفينو سره څنګه او څرنګه مبارزه وكړو. دغسې د ولس او دولتي مسوولينو تر منځ هر اړخيز واټن پيدا شوې او ولس پر چارواكيو خپل باور له لاسه وركړې دی. په ټولنه كې دولت د ولس زيږنده ده؛ نو وختې چې ولس، دولت له ځانه وګڼې؛ د ساتنې په باب يې بې تو‌پيره وي. چې د كمولو او منځه وړو لپاره يې پر چارواكيو ذمه داري ده.

بلخوا د قانون د پلي كېدو په اړه ډېره كمزورې شته، چې حتی د ملګرو ملتونو استازې هم په دې اړه ګيله وكړه نو ښه دا ده، چې مسوولين د قانون په چوكاټ كې مجرمانو ته سزا وركړي او په يو نظام كې چې مكافات او مجازات نه وي، د هغه وړی نه شړی كېږي.

په پای كې له ګردو هېوادوالو، دولتی چارواكيو او نړېوالې ټولنې څخه غواړو، چې په هېواد كې د نا امنيو د پای ته رسولو د ثبات او امنيت راوستو لپاره په هر اړخيزو اقداماتو لاس پورې كړي؛ ځكه مونږ ټول په يوه بېړی كې سپاره يو چې له دې اوسني توپاني حالته په خورا ځيركی او هر اړخيزو فعاليتونو سره ځان پورې ايستای شو.

شکوه ازجماعت اسلامی پاکستان

گفتگوی نمایندهٔ جمعیت اسلامی افغانستان با نمایندهٔ جماعت اسلامی پاکستان درحاشیهٔ مراسم سالروزفتح استانبول درترکیه

محمد نسیم فقیری

به تاریخ ۵جوزا، مراسم بزرگداشت ازسالروز فتح تاریخی استانبول دریکی از ستدیوم های شهرانقره برگزارشده بود که درآن تعدادی ازمهمانان خارجی نیز دعوت شده بودند و در این گردهمایی سخنرانی هم نمودند، بنده هم در این جمع بودم.

عصر روز یکشنبه ۶ جوزا در هتل محل اقامت بین من و محترم عبدالغفار عزیز مشاورخاص امیرومسؤول روابط خارجی جماعت اسلامی پاکستان درمورد اوضاع افغانستان پس ازپیروزی جهاد ونقش جماعت اسلامی درآن به تفصیل بحث گردیدکه خلاصه یی از آن تقدیم می گردد:

«شکوه ازجماعت اسلامی » عنوان یکی از نوشته های چاپ شده درنشریهٔ « فتح» درشهر پیشاور درسالهای ۱۳۷۲و ۱۳۷۳ بود. این نشریه را هواداران دولت اسلامی افغانستان به رهبری استاد ربانی نشر می نمودند . روزی تعدادی از اعضای جمعیت ـ که اکثرشان دردولت مجاهدین دارای مقام ومنصبی نیز نبودند ـ بنا به دعوت قاضی حسین احمد امیر جماعت اسلامی ، با ایشان ملاقات نمودند که طی آن موصوف با بیان کاستی ها و انحرافات دردولت مجاهدین ؛ از اعضای جمعیت خواست تا با درنظرداشت حقانیت موضع وموقف آقای حکمتیار ! به او بپیوندند!

در آن ملاقات بحث داغ وجالبی درگرفت وبابیان حقایق وواقعیت ها به آقای قاضی ،بطلان ادعاهای حکمتیار ومظلوم بودن دولت اسلامی اثبات گردید.

درپایان بحث واستدلال ، ازاو خواسته شد تا با برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی ، همه حرف های خود را پس بگیرد وآنچه تا کنون درمورد افغانستان ودولت اسلامی گفته است ؛ ازمردم ودولت ما پوزش بخواهد!

محور اصلی بحث وگفتگوی نمایندهٔ جمعیت با جماعت را در عصر آن روز نیز « شکوه از جماعت اسلامی» تشکیل می داد.

نمایندهٔ جمعیت درآغاز ازآقای عزیز پرسید که شما مانند هر پاکستانی علاقه مند به اشعار اردوی علامه اقبال ، باید « شکوه وجواب شکوه» را خوانده باشید ؟ اکنون شکوهٔ ما را بشنوید و ما توقع شنیدن پاسخ را نیز داریم!

به او گفته شد:

مشکلات سالهای جهاد از نظر شما پوشیده نبوده است. یکی ازمشکلات عمدهٔ آن دوران، برخورد های ذات البینی مجاهدین وتلفات ناشی ازآن بود.

حزب آقای حکمتیار تنها با مجاهدین جمعیت مشکل نداشت بلکه در نود درصد درگیری ها یک طرف آن افراد او بودند!

با در نظر داشت توان ون قش حزب اسلامی درجهاد و مشکلات یاد شده ، لازم دیده شد تا پست صدارت به این حزب داده شود و در معاهدهٔ پیشاور مورد تأیید قرار گرفت.

اما حکمتیار به بهانه های مختلف به جای قرارگرفتن برکرسی صدارت، همواره کابل را مورد حمله قرارمی داد و راکت باران می نمود!

جای تأسف است که امیر جماعت به عوض توصیه و نصیحت به حکمتیار ، جانب او را گرفت و اتهامات او را بر دولت اسلامی تکرار نمود!

در آن زمان روزنامهٔ پشتو زبان «وحدت» چاپ پیشاور با تیتر درشت به نقل از قاضی حسین احمد نوشت که :

درافغانستان به جای نجیب ، دوستم بر مسند قدرت قرارگرفته است و این در حالی بود که استاد ربانی در رأس قدرت قرار داشت !

و از همه بدتر و مصیبت بارتر این که جوانان جماعت را در صفوف حکمتیار به جنگ با دولت اسلامی تنظیم و اعزام نمود و یا حد اقل از اعزام آنان جلوگیری ننمود!

در نتیجه اجساد چندین جوان با احساس ومتدین ـ که جنگ علیه دولت اسلامی به آنان جهاد وانمود شده بود- از بغاوتکده های حکمتیار به پاکستان آورده می شد ...

توقع و انتظار مجاهدین از جماعت و امیر آن این بود که پس از پیروزی جهاد با همهٔ مجاهدین روابط دوستانه داشته باشد و حیثیت خویش را به مثابهٔ انصار و یاران مجاهدین و مهاجرین حفظ نماید ولی جماعت و امیر آن نه تنها که ازحق و مظلوم دفاع نکردند بلکه درکنار ظالم قرار گرفتند و یاوه گویی های سرکشان و متجاوزان را تکرار کردند !

خلاصه این که کمترین توقع و انتظار ما ازجماعت ، میانجیگری و یا بیطرفی بود!

به همه حال، جنگ واختلاف میان این دو سازمان بزرگ جهادی {جمعیت وحزب} باعث تضعیف مجاهدین ونیرو گرفتن قوای مخالف آنان گردید تا جایی که طالبان ظهورکردند و روز به روز قوت و گسترش یا فتند...

نمی دانیم که نسل های امروز و فردای جماعت در مورد این موضع گیری رهبری شما چه قضاوتی خواهند داشت؟

آقای عبدالغفار عزیز مشاور خاص امیر و مسؤول روابط خارجی جماعت اسلامی پاکستان در پاسخ به این شکوه، با ادب و نزاکت خاصی چنین پاسخ گفت :

روابط نزدیک جماعت با سازمان های جهادی افغانستان و به خصوص جمعیت وحزب وکمک های سیاسی و سادی جماعت بر هیچکسی پوشیده نیست ... ولی روابط جماعت با حزب اسلامی پس از پیروزی جهاد ، همواره در داخل جماعت مورد بحث و پرسش بوده است !

من در روزهای پیروزی و هنگام گفتگوی مخابروی حکمتیار و مسعود در کنار قاضی صاحب بودم ... سهمگیری جوانان جماعت در جنگ ـ هرچند به پیمانهٔ بسیار محدود ـ بیشتر به تلاش شخصی به نام «بخت زمین » صورت گرفت که بالآخره او نیز از جماعت جدا گردید...

من به حیث یک فرد مسؤول [روابط خارجی] می توانم بگویم که سال هاست با حکمتیار رابطه یی نداریم !...

این بحث با خواهش تقدیم سلام و احترام آقای عزیز به استاد ربانی، خاتمه یافت.

اعلام عفو عمومی

نوشتهٔ دکتر عائض القرنی ــــــ ترجمهٔ عبد الحفیظ همام

انسان طبیعی و مسلمان راستین کسی است که وجودش از زهر کینه توزی و حقد انتقام جویی مبرا باشد، صفات نیک و مکارم اخلاق در کیان وجودش و ژرفای فطرتش نهفته است

بر هر انسانی لازم است هر شب قبل از آن که سر به بالین خواب بگذارد عفوی عمومی اعلام دارد. عفو و گذشت نسبت به هر کسی که در طول روز با حرفی و یا سخنی، غیبت و یا دشنامی و یا به نحوی باعث آزردگی و رنجش خاطر وی گردیده است. با گزینش شیوهٔ عفو و بخشش، می توان آسودگی درونی ، آرامش روانی و عفو و مغفرت پروردگار بخشاینده و مهربان را به دست آورد.

انتخاب شیوهٔ "عفو عمومی" نسبت به هر بد رفتاری، بهترین داروی جهانی است که از درمانگاه وحی « إدفع بالتی هی أحسن» یعنی (بدی را به آنچه نیکوتر است پاسخ ده). « و الکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین» (فروبرندگان خشم و درگذرندگان از مردمند، و خدا نیکوکاران را دوست می دارد)، توصیه می گردد. ای آن که زندگی را در تازه ترین صورتش و زیبا ترین جمالش می خواهی! قلبت را با آب زلال عفو و گذشت شستشو کن؛ تا غده های چرکین و ریشهٔ رنجها از درون پاک، و دل جایگاه عفو و بخشش و نمای طراوت و نشاط همیشگی گردد. مردی بر خاست و به ابوبکر صدیق (رض) گفت: سوگند به خدا دشنامی می دهمت تا آن را با خودت به گور خواهی برد، ابوبکر گفت: بلکه دشنامت را خودت به گور خواهی برد. شخصی به امام شعبی دشنام داد، وی در پاسخ گفت: اگر دروغ گفته باشی خداوند ترا ببخشاید و اگر راست گفتی خداوند مرا ببخشد.

واگذاری قلب به خزندگان کینه توز و کژدمان انتقامجو و مار های زهر آگین، نشانه یی از ضعف ایمان، بی مروتی و سوء تدبیر در زندگانی است. به قول شکسپیر، به خاطر دشمنانت تنور آتش را در درون سینه ات نیفروز تا خودت را در آن بسوزی. آری، چه زیباست قلب پاک و بی آلا یش و چه سعادتمند است سینهٔ با چنین صفایی و چه شاداب و پر طراوت است زندگی اش و چه راحت است خوابش و چه پاک است ضمیرش!

با اینهمه، در این گیرودار زندگی و با این عمر کوتاه ، آیا فرصتی برای تصفیهٔ حسابات مان و پرداخت صورت حساب های وام دشمنی را خواهیم داشت؟ یقینا که عمر کوتاه تر از آن است که چنان خواهیم کرد. کسی اگر بخواهد از هر شخصی که به وی جفایی نمو ده و یا اشتباهی را مرتکب گردیده است انتقام گیرد، به جای پاداش عظیم گناه بزرگ، تنگی سینه، هم و غم درونی توأم با زخم معده و فشار بلند را - که گاه به سکتهٔ ناگهانی و خون ریزی دماغی می انجامد ـ نصیب می گردد، بالآخره شخص را به بستر اضطراری بیمارستان و مرگ می کشاند، و بدین وسیله به تعداد مردگانی که به وسیلهٔ امراض باطنی با خوردن غذاهای درهم و برهم بدرود حیات گفته اند، اضافه می گردد.

بهترین پزشکان دنیا سه نوعند: شادمانی، که ویژگی آن سرور و خوشی و گذشت وعفو است. آرامش ، که ویژگی آن برخورد با مسایل با راحتی و نرمی و با شیوهٔ مناسب ، و رژیم ، که ویژگی آن رعایت و داشتن برنامهٔ غذایی و خود داری از پر کردن شکم از هرگونه غذاهای مضر.

آری زندگی زیباست! آیا به روز و چهرهٔ تابانش و آفتاب درخشانش و صبح پر طراوتش و چاشت فتنه انگیزش و غروب سحر آمیزش نمی بینید؟ چرا با ابتهاج و شادمانی های این هستی هم آوایی نمی کنید؟ آن گونه که ستاره ها می خندند بخندید و آن گونه که پرندگان به زندگی خوشبیند خوشبین باشید، و همانند لطافت نسیم و نرمی تپه ها، لطیف و نرم باشید. هرگاه اگر شیطان، شر، شک، دشنام، شومی و بدبینی را از زندگی تان برانید زندگی سراسر زیبا، مسرت زا و شاداب می گردد.

مشکل ما آن است که ما نسبت به زندگی بد بین هستیم و به آن با دیدهٔ منفی می نگریم، و چون به چهرهٔ آفتاب می نگریم از گرمی آن می نالیم، و آن گاه که به شگوفه های گل می بینیم تنها به خارش متوجه می شویم و اگر به ستاره های شب نگاه می کنیم از تاریکی شب نا راحت می شویم!

بیا دیگر این بار شبانه از هر کسی که برایت بد رفتاریی انجام داده از انتقامش بگذر و فرمان عفو صادر کن، یقینا که آنگاه احساس دیگری خواهی داشت و شبی زیبایی ! شبی که دران به آسودگی تمام خواهی خوابید، و هرگز چنین شب نازی را در حیاتت به تجربه نگرفته ای. به گفتهٔ شریف الرضی:

یا لیلة العفو الا عدت ثانیة

سقی زمانک هطال من الدیم

ای شب عفو، چرا باری دیگر بر نگشتی! تا روزگارت را بارانی پر بار سیراب سازد!

خوشا به حال آنان که گذشت و آشتی را پیشه می دارند، مژده ها باد به کسانی که عفو می کنند و اکلیل های گل نثار آنان که خشم شان را فرو می برند. سپاس زیاد مر مقنع کندی را که می گوید:

لا أحمل الحقد القدیم علیهم

و لیس کریم القوم من یحمل الحقدا

"به خاطر عداوت گذشته با ایشان کینه نمی ورزم؛ چون ارجمندان قوم کینه توز نیستند".

انسان طبیعی و مسلمان راستین کسی است که وجودش از زهر کینه توزی و حقد انتقام جویی مبرا باشد، صفات نیک و مکارم اخلاق در کیان وجودش و ژرفای فطرتش نهفته است و شعار **(و من عفا و أصلح فأجره علی الله)** یعنی (هرکه درگذرد و اصلاح کند پاداش او بر خداست) را ورد زبان دارد.

پروردگار بد رفتاری ما در برابر دیگران و از دیگران را در برابر ما، ببخشاید! و ان شاء الله فردا در بهشت برین در زیر سایه های **(و نزعنا ما فی صدورهم من غل إخوانا علی سرر متقابلین)** یعنی(و هر بد خواهی و کینه یی که در سینه هاشان بود بر کندیم، آنان برادرانی بر تختها رویاروی همند) با هم ملاقی خواهیم شد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه‌خدا از عالي‌ترين آرزوهاي‌ملت

دور ششم سال ششم شمارهٔ هشتم شنبه ۲ سرطان ۱۳۸۶ ۸ جمادی الآخر ۱۴۲۸ - 23 June , 2007

گفتند و شنیدیم

ابوبکر سبزوار

هشیاری ترافیک!

نمی دانم این سخن از چه زمانی در محاوره میان مردم رایج گردیده است که می گویند: اینقدر که هوشیار بودی چرا ترافیک نشدی! شاید این باور از آن جا ناشی شده است که کارکنان ترافیک باید هوشیار باشند زیرا کار شان سخت حساس است و اگر احیانا از هوشیاری لازم برخوردار نباشند، نظم ترافیک چهارراهی ها ومسیرهایی که در آن مشغول کارند برهم می خورد و راه بندان به میان می آید. ریاست ترافیک هم در چهارراه های حساس، بیشتر مامورینی را موظف می سازند که از هوشیاری لازم و تجربهء کافی برخوردار باشند.

اما این سخن به آن معنی نیست که هرکسی که در سلامت روانی اش شک کنند، برای رفع این شک از مردم، برود و به جای یک مامور ترافیک وظیفهء کنترل جاده را به عهده بگیرد. برای رفع چنین شکی، نیاز به گواهی معتبر از یک دکتور مجرب و معتبر است!!

روز جمعه هجدهم جوزای سال روان، ماجرایی در مسیر راه در شمال کابل رخ داد. آقای عبدالجبار ثابت دادستان کل کشور وقتی از شمالی به کابل بر می گشت، در مسیر راه به راه بندان ترافیک برخورد و برای بازکردن راه، خودش از موتر پیاده شد تا در جلوی هزاران نفری که در آن جا با موتر های شان گیر افتاده بودند، مهارت خود در ایجاد نظم ترافیک را به نمایش بگذارد و نشان بدهد که از هوشیاری لازم به اندازهء یک مامور ترافیک برخوردار است. اما از آنجایی که آقای ثابت اشارهء دستی برای رهنمایی را که معمولا مامورین ترافیک با خود دارند همراه نداشت، از بوتل آب برای این منظور سود برد.

از زمانی که در این کشور در کنار سایر تحولات بعد از سقوط طالبان، جای کوزه های سفالین آب یخی را بوتل های آب معدنی گرفته است، بوتل آب به عنوان یک سلاح سرد هم کارآمد است که نمایندگان محترم ولسی جرگه این سنت سیئه را اساس نهاده اند. اعضای ولسی جرگه از بوتل آب به عنوان سلاح پرنده برای پرتاب از راه دور استفاده می کنند. چون آقای ثابت را جمعی از اعضای پارلمان هم همراهی می کردند، وی به تأسی از آنان، و به مصداق این ضرب المثل که خربوزه از خربوزه رنگ می گیرد، عده یی از رانندگان متخلف را با بوتل پلاستیکی آب مورد ضربت قرار داد که از بوتل آب به شکل گرز استفاده کرد! خوب شد که واقعهء یازدهم سپتامبر و حملهء امریکا به افغانستان موجب از رواج افتادن کوزه های سفالین گردید وگرنه خدا می داند که کلهء رانندهٔ ژنرال جرأت از چند جا می شکست!

مسالهء دیگری هم جناب ثابت را با مسایل ترافیک ارتباط می دهد. مدتی قبل در جریان لت وکوب دو تن از افسران ترافیک، آقای ثابت مولوی حبیب الله رئیس سابق شورای ولایتی کابل را به زندان انداخت. هرچند مولوی مذکور مدعی بود که در این کار نقشی نداشته است اما قدیمی ها ضرب المثلی داشته اند که می گوید خدا از گرفتن، کور و از زدن کر نجات دهد! بیچاره مولوی مدتی را در زندان پلچرخی سپری کرد. نه تنها مامور ترافیک بودن که حتی حمایت از مامور ترافیک لت و کوب شده نیز می تواند نشانی از هوشیاری باشد!

آقای ثابت که در تیم (بدقاران) آقای کرزی شاملند گفته بودند که ژنرال جرأت را دستگیر خواهد نمود. به گفتهء آقای ثابت، جرأت فعلا فراری است. اما ژنرال جرأت از جای نامعلومی در مصاحبه با تلویزیون طلوع ادعا های لوی سارنوال را رد کرد. مصاحبهء جرأت یاد آور مصاحبه های آقای فلانی در مغاره های توره بوره بود!!

از این شوخی ها که بگذریم، جناب آقای ثابت با عفو جنرال جرأت، تدبیر خود را به نمایش گذاشت و به این ترتیب به ماجرایی که می توانست به بحران بینجامد پایان داد. این کار وی قابل ستایش است. خداوند عاقبت همه بدقاری ها را بخیر کند.

بررسی حضور دراز مدت نیروهای بریتانیا در افغانستان

در میز گردی در بخش عربی بی بی سی

مصطفی شهری

روز پنجشنبهٔ گذشته بخش عربی رادیوی بی بی سی در برنامهٔ "حدیث الساعة" میز گردی داشت دربارهٔ تحلیل سخنان سفیر بریتانیا در افغانستان که گفته است افغانستان برای حضور نیروهای ناتو برای چندین دهه جهت مبارزه با تروریسم و فقر نیاز دارد.

در این میز گرد واقف حکیمی مدیر مسؤول هفته نامهٔ مجاهد از کابل و تحلیلگران مشهور مانند طلحهٔ الزبیر و ریاض قهو جی از واشنگتن و کمال الهلباوی و درویش و احمد ادریس از لندن شرکت کرده بودند.

طبعاً هر یک از این شرکت کنندگان به موضوع از منظرهایی خاص می دیدند. واقف حکیمی گفت: به باور من چنین اظهار نظرهایی مبتی بر استمرار حضور نیروهای خارجی برای مدت طولانی در افغانستان مشکل را بیشتر می کند و برای فعالیت های طالبان در میان مردم جایی بیشتر باز خواهد کرد و از مشروعیت دینی دولت بیشتر خواهد کاست. چون طالبان شدیداً از این مساله (حضور دوامدار خارجیان) برضد دولت استفاده خواهند کرد. در حالی که تا هنوز به دلیل حضور فعال نیروهای خارجی در امر دفاع و امنیت در برابر حملات طالبان و عدم توجه شایسته و بایسته به امر ایجاد اردو و پلیس ملی خود کفا، طالبان با زیر سؤال بردن مشروعیت دینی دولت بسیار سود برده اند. واقف حکیمی حضور گستردهٔ نیروهای خارجی را یکی از عوامل مهم در تداوم و تجدید فعالیت های طالبان در کنار مداخلات خارجی دانست.

ریاض قهوه جی یکی از عوامل تداوم فعالیت های طالبان را در جنوب عدم حضور سران قبایل در حکومت آقای کرزی و عدم توجه به بازسازی مناطق آن دانست.

این نظر همان تحلیلی است که برخی کارشناسان غربی هم دارند. در حالی که بسیاری از کارشناسان به این باور هستند که با وجود نا آرامی های جنوب بیشترین پروژه های بزرگ بازسازی و نو سازی در این منطقه تطبیق شده است.

استاد درویش دولت افغانستان را بهره مند از مشروعیت سیاسی مبتنی بر انتخابات و دموکراسی خواند و تجربهٔ حکومت طالبان را آکنده از ظلم و استبداد تلقی کرد. احمد ادریس قصد حضور دوامدار نیروهای خارجی در افغانستان را مطابق الگوی کرهٔ جنوبی دانست و گفت: بیش از پنج دهه است که نیروهای آمریکایی در کرهٔ جنوبی حضور دارند. غرب با حضورش در کرهٔ جنوبی در فقر زدایی و توسعهٔ این کشور نقش بازی کرده است و به باور بریتانیا و آمریکا می شود این تجربه را در افغانستان تکرار کرد و از آن استفاده نمود. او همچنان اشارتی به ضعف های درونی حکومت آقای کرزی کرد و گفت: بسیاری از وزیران کابینهٔ آقای کرزی دارای پاسپورت های خارجی هستند و چندان از اعتبار مردمی برخوردار نیستند.

استاد کمال هلباوی گفت: باید توجه داشته باشیم که قبایل جنوب افغانستان به جای انتخابات و دموکراسی به جرگه باور دارند و مشکلات خود را از طریق جرگه ها و لویه جرگه ها حل می کنند و به دموکراسی و انتخابات توجهی ندارند. او همچنان از فعالیت های طالبان حمایت کرد و جنگیدن آنان را برضد نیروهای خارجی حق مشروع آنان گفت. او همچنان گفت: مجاهدینی که در برابر شوروی برای آزادی وطن شان جنگیدند و قربانی دادند امروز در حکومت آقای کرزی حضور چشمگیر ندارند.

کمال هلباوی یکی از افغانستان شناسانی است که در دوران جهاد از همکاران مجاهدین بود و او در زمانی که طالبان برضد دولت اسلامی افغانستان می جنگیدند از دولت اسلامی افغانستان حمایت می کرد و طالبان را نکوهش می کرد، اما این موضع گیری او نشان می دهد که در دید او دربارهٔ طالبان تغییر آمده است.

بخش عربی بی بی سی در همین روز پنجشنبه گذشته دربارهٔ اظهارات جان بولتن نمایندهٔ آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد که گفته است در افغانستان پس از سقوط طالبان مدارس و شفاخانه و جاده هایی زیاد اعمار شده است و در این کشور تغییرات زیاد آمده است با واقف حکیمی مصاحبه یی دیگر انجام داد. او گفت: اگر شرایط کنونی را از این لحاظ ها مورد بررسی قرار دهیم نظر به زمان طالبان به راستی خیلی مکتب و شفاخانه و جاده در افغانستان ساخته شده است، اما این کارهای انجام شده را با حجم کمک ها و پول هایی که در افغانستان هزینهٔ بازسازی شده است مقایسه کنیم بسیار اندک است. به اعتراف وزیر مالیه کمک هایی که به افغانستان داده شده است کمتر از بیست در صد آن به دولت داده شده است و دیگر همه به مؤسسات غیر دولتی خارجی و داخلی تعلق گرفته است. اگر بررسی شود بیشترین این پول ها برای متخصصان معاش داده شده است که بیشترینه شهروندان خارجی بوده اند، پس این پول ها از راهی به افغانستان آمده و از راهی دیگر برون رفته است. به همین دلیل است که زمینه های اشتغال وجود ندارد و مردم دوباره راه هجرت به کشورهای همسایه در پیش می گیرند و کارهایی اساسی در ساختن زیر ساخت های اقتصادی و کارهای تولیدی انجام نشده است.

بریتانیا چند دهه در افغانستان ...

و رسیدن آن در سطح خشونت های عراق، انجام شده است.

وزارت خارجه بریتانیا گفت که مبارزه با فساد، کمک به تحکیم حاکمیت دولت در جنوب افغانستان و جلوگیری از تولید مواد مخدر، از اولویت ها خواهد بود.

سفیر جدید بریتانیا در افغانستان می گوید: "پیامی که ما از مردم افغانستان می گیریم این است که 'از ما در برابر طالبان حفاظت کنید.'"

او می گوید: "آنان (مردم افغانستان) خاطرات طالبان را در ذهن دارند، آنان حاکمیت طالبان را تجربه کرده اند و اگر تنها یک چیز روشن وجود دارد، این است که (افغانها) نمی خواهند دوباره به گذشته تاریک حاکمیت قرون وسطایی طالبان برگردند."

جان سیمپسون، سردبیر امور جهانی بی بی سی می گوید سفارت بریتانیا در افغانستان، احتمالا به بخش گسترده تر از سفارت این کشور در واشنگتن، پایتخت آمریکا تبدیل خواهد شد.

آقای سیمپسون می گوید: "تنها این موضوع که آقای شرارد به عنوان سفیر در اینجا (افغانستان) حضور دارد، اراده وزارت خارجه بریتانیا به بهبود وضعیت و امکانات نمایندگی این کشور در افغانستان را نشان می دهد."

به گفته آقای سیمپسون، شرارد کوپرکولز از کارکشته ترین دیپلومات های بریتانیایی است.

در سال جاری، شمار سربازان بریتانیایی در افغانستان تا هفت هزار و هفتصد نفر افزایش می یابد.

این نخستین بار است که از قول یک مسؤول بلند پایهٔ شرکای جنگ برضد تروریسم در افغانستان به این صراحت گفته می شود که برای این مدت طولانی در افغانستان خواهند ماند، تا هنوز گفته می شد که با تأمین امنیت این کشور را ترک خواهند کرد. به باور برخی از تحلیل گران چنین اظهاراتی به سود طالبان و گسترش نفوذ آنان در میان مردم عادی خواهد شد.

رئیس جمهور در جمع بزرگان قومی ...

آقای کرزی در زمانی از عدم تطبیق قانون در کشور شکایت می کند که چند روز پیش از وی نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کل سازمان ملل متحد در افغانستان آقای تام کونیکس عدم حاکمیت قانون در افغانستان را یکی از عوامل مهم گسترش بی امنیتی ها خوانده بود.

اما آقای کزی هرگز اشارتی در سخنانش به نقش خودش به عنوان رئیس جمهور در طی سال های حکومتش در مدیریت توسعه در افغانستان و مدیران و ابزارهایی را که برای رشد تعلیم و تربیت و حاکمیت قانون به کار بسته است، نکرد.

آقای کرزی در حالی که غیر مستقیم عامل پسمانی افغانستان را در این زمینه جنگ سالاران معرفی کرد، بسیاری از مردم به این باور هستند که گزینش افراد نا اهل و مدیران نالایق به دلیل علایق سیاسی در امور کشورداری و بخش های توسعه مضاف بر عوامل بر شمردهٔ رئس جمهور در بحران افغانستان شده است.

نگرانی سازمان امداد رسان در افغانستان ...

پکتیکا بمباران کرده، بدون آن که اطلاع داشته باشد که دانش آموزان در مدرسه حضور دارند و در نتیجه، هفت دانش آموز کمسال جان خود را از دست داده اند.

به گزارش تلویزیون آریانا در شهر قندهار نیز اعضای خانواده یی نظامیان خارجی را متهم کرده اند که با شلیک گلوله و پرتاب نارنجک سه شنبه شب به خانهٔ آنان حمله کرده و جوان بیست ساله شان را به قتل رسانده اند. به گزارش بی بی سی این جوان پیشهٔ خیاطی داشته و پیوندی با طالبان نداشته است.

همچنین در درگیری روز پنجشنبهٔ گذشته در اثر بمباران نیروهای خارجی در ولسوالی سنگین ولایت هلمند بیش از بیست غیر نظامی کشته شده اند.

کشتار غیرنظامیان بر اثر عملیات نظامی در افغانستان پیش از این نیز بارها اعتراضاتی را برانگیخته است و حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان نیز ادامه این قبیل کشتارها را غیرقابل تحمل خوانده است و طرحی را جهت جلوگیری از تلفات غیر نظامیان آماده کرده است تا به نیروهای خارجی ارائه کند. آقای رئیس جمهور بارها چنین تقاضاهایی را مطرح کرده ولی در عمل همه بی نتیجه مانده است.